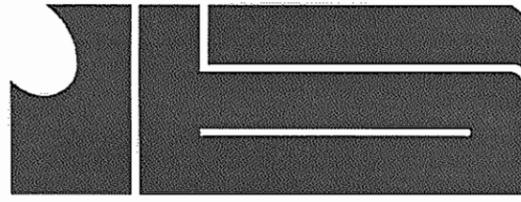




«کار» فرا رسیدن سال نو میلادی را به همه هموطنان مسیحی تبریک می‌گوید و برای آنان شادکامی و پیروزی آرزو می‌کند. امید داریم سال ۱۹۹۹ سال آزادی میهن ما از حاکمیت ترور و استبداد باشد!



ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
چهارشنبه ۲ دی ۱۳۷۷ - ۲۳ دسامبر ۱۹۹۸ - دوره سوم - شماره ۱۹۸  
KAR. No. 198 Wednesday 23. Dec 1998

آمریکا بار دیگر عراق را بمباران کرد  
کوفی عنان: این روز، روز غم‌انگیزی بود

صفحه ۱۲

## با شرکت در مراسم به خاک سپاری محمد مختاری و محمد جعفر پوینده

# هزاران تن از مردم نفرت خویش را از جنایات هولناک رژیم اعلام داشتند



آزادی‌خواه، از ساعت ۹ صبح در مسجد النبی در خیابان کارگر شمالی آغاز گردید. نویسندگان و اعضای برجسته کانون نویسندگان ایران، که خود اکنون در خطر جدی قرار دارند به صورت گسترده‌ای در این مراسم شرکت کردند. نامه سرگشاده نویسندگان خطاب به مردم، به میزان وسیعی در میان حاضران توزیع شد. در ساعت ده صبح جسد محمد مختاری برای تشییع جنازه در تابوتی غرق در گل بر دوش مردم به حرکت درآمد. ادامه در صفحه ۴

که راه آنان را پی خواهند گرفت. نیروهای امنیتی محل برگزاری این مراسم در روزهای دوشنبه و پنجشنبه گذشته را به محاصره خود در آورده بودند و با توجه به تظاهرات وسیعی که در مراسم به خاک سپاری داریوش و پروانه فروهر برپا شده بود، اجازه راه‌پیمایی و حمل جنازه را به مردم ندادند. روز دوشنبه ۲۳ آذر ماه، پیکر محمد مختاری در گورستان امامزاده طاهر واقع در مهرشهر کرج به خاک سپرده شد. مراسم واپسین وداع با این نویسنده

هزاران نفر از مردم، در مراسم به خاک سپاری این دو نویسنده و متفکر عضو کانون نویسندگان ایران شرکت کردند و نشان دادند

کرج به خاک سپرده شد. صدها نفر از نویسندگان، شاعران، روزنامه‌نگاران و روشنفکران ایران همراه با

پیکرهای محمد مختاری و محمد جعفر پوینده، قربانیان جنایت وحشیانه عوامل حکومت اسلامی، هفته گذشته در مهرشهر



### نامه سرگشاده نویسندگان به مردم ایران

از تمام کسانی که این موقعیت ضد آزادی و امنیت عمومی را بر نمی‌تابند، می‌خواهیم به این وحشت‌آفرینی خاتمه دهند.

ماه‌های اخیر نشان‌دهنده خشونت افکارگسیخته است که هدفش نابودی آزادی و امنیت شهروندان و ایجاد آشفتگی در ادامه در صفحه ۵

مستن نامه سرگشاده نویسندگان به مردم ایران: مصیبت بر مصیبت افزوده می‌شود و کسی پاسخگو نیست. مرگ‌های دلخراش اهل قلم در

دگراندیش ایران، نامه سرگشاده‌ای خطاب به مردم ایران منتشر کردند و عین این نامه را همراه با نامه دیگری برای رئیس جمهور نیز ارسال کردند.

به دنبال کشتار مجید شریف و محمد مختاری و در زمانی که محمد جعفر پوینده در چنگال آدم‌کشان رژیم بود، ده‌ها نویسنده، شاعر و روزنامه‌نگار

### سرمقاله

## مبارزه علیه ترور را گسترش دهیم!

برای نخستین بار پس از برقراری استبداد قرون وسطایی فقها در ایران، در کشور ما جنبشی توده‌ای علیه ترور و جنایات حکومتی شکل گرفته است. اعتراض به قتل آزادیخواهان و روشنفکران ایرانی ادامه دارد. در هفته گذشته تشییع جنازه محمد مختاری و تظاهرات دانشجویان در دانشگاه امیرکبیر، از نمونه‌های اعتراض جمعی به آدم‌کشی و نقض حقوق بشر در ایران بود. مراسم چهلم شهادت پروانه و داریوش فروهر در پیش است. این مراسم و پس از آن، گرامی‌داشت یاد نویسندگان شهید در چهلمین روز قتل آنان، به عرصه‌های دیگری برای ابراز انزجار و نفرت مردم از این جنایات و طرح خواست برچیدن بساط ترور حکومتی تبدیل خواهد شد. در خارج از کشور، ایرانیان با زنجیره‌ای از اعتراضات و تظاهرات، افکار عمومی را متوجه جنایات جمهوری اسلامی کرده و از دولت‌های غربی می‌خواهند که علیه جنایات در ایران اعتراض کنند. آزادیخواهان ایران قطعاً نخواهند گذاشت آتشی که با این اعتراضات برافروخته شده، خاموشی گیرد.

در شرایط کنونی، مهم‌ترین مسئولیت ایرانیان دمکرات و قبل از همه احزاب و سازمان‌های آزادیخواه، گسترش مبارزه جاری علیه ترور است. باید از هر راه ممکن برای وسیع‌تر کردن بازتاب جنایات حکومت در داخل و خارج از ایران بهره گرفت. باید با انتخاب و طرح خواست‌های منطبق بر شرایط کنونی، به این مبارزه جهت داد. یک خواست محوری که می‌تواند در شرایط امروز طرح شود، تحقیق بین‌المللی درباره چگونگی به قتل رسیدن قربانیان اخیر است. این یک خواست کاملاً منطقی است. چهار هفته از به خون درغلتیدن پروانه و داریوش فروهر می‌گذرد، و هنوز کسانی که خاتمی مأمور تحقیق در این باره کرده است، کوچکترین نتیجه‌ای به مردم ارائه ندادند. از دستگاه امنیتی، انتظامی و قضایی جمهوری اسلامی در رسیدگی به جنایاتی که علیه «غیرخودی‌ها» و به دستور پرنفوذترین مقامات حکومت صورت گرفته است، نمی‌توان هیچ انتظاری داشت. در این بیست ساله حتی یک مورد خلاف این ثابت نشده است. با توجه به این واقعیت، می‌توان و باید خواهان رسیدگی بین‌المللی به جنایات اخیر شد. دولت خاتمی اگر در ادعای خود مبنی بر ضرورت شناسایی عاملان این جنایات صادق باشد، باید به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل امکان دهد درباره این جنایات، مستقلاً در داخل کشور تحقیق کند.

در زمانی که جامعه بین‌المللی توافق کرده است نقض حقوق بشر در سراسر جهان از سوی یک دادگاه بین‌المللی دنبال شود، می‌توان و باید مصرانه خواهان تحقیق بین‌المللی درباره قتل دمکرات‌های ایران شد. طبق مقررات دادگاه بین‌المللی حقوق بشر، اگر تعقیب یک مورد از نقض حقوق بشر از سوی دستگاه‌های ملی قضایی بی‌نتیجه بماند یا این ظن وجود داشته باشد که حکومت در این تحقیقات کارشکنی می‌کند، دخالت دادگاه بین‌المللی و بازرس آن ادامه در صفحه ۶

## پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مردم ایران اعتراض علیه ترورهای حکومت اسلامی را به مقاومت ملی و سراسری تبدیل کنیم

صفحه ۲

نامه سرگشاده شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
به آقای خاتمی، رئیس جمهور

شما سرمداران این ترورها را می‌شناسید  
آنان را به مردم معرفی کنید

صفحه ۳

## ایرانیان در خارج از کشور، با برگزاری ده‌ها تظاهرات و گردهمایی، جنایات رژیم جمهوری اسلامی را محکوم کردند

ایرانی قرار گرفته‌اند.

تحصن در استراسبورگ پارلمان اروپا  
جمهوری اسلامی را محکوم کرد  
به دعوت «کمیته موقت تحصن (کسلن) برای نجات جان نویسندگان در ایران» و با پشتیبانی کانون نویسندگان ایران در تبعید، جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران (برلین) و ادامه در صفحه ۴

وسعت بی‌سابقه‌ای گرفت، همچنان ادامه دارد و به موفقیتهای در خور توجهی دست یافته است. بر اثر افشاکری‌ها و تلاش‌هایی که در خارج از ایران صورت گرفته است، تاکنون چندین نهاد مهم اروپایی و بین‌المللی جنایات اخیر جمهوری اسلامی را محکوم کرده و مردم اروپا و آمریکا به طور گسترده‌ای در جریان کشتار نویسندگان و آزادی‌خواهان

ایرانیان در خارج از کشور، هیپای روشنفکران، نویسندگان و دانشجویان در ایران، با برگزاری ده‌ها تظاهرات و گردهمایی‌های اعتراضی، جنایات عوامل رژیم جمهوری اسلامی علیه نویسندگان و آزادی‌خواهان ایران را محکوم کردند. مبارزات ایرانیان در خارج از کشور، که از دو هفته پیش و هم‌زمان با قتل محمد مختاری و محمدجعفر پوینده،

### در اعتراض به ترور نویسندگان و فعالان سیاسی کشور

## دانشجویان خواهان برکناری رئیس قوه قضاییه وزیر اطلاعات و فرمانده نیروی انتظامی شدند

کردن موج جدید خشونت در جامعه» انجام شد. بنابر اطلاعاتی که دانشجویان به منظور دعوت به این تظاهرات ادامه در صفحه ۲

برخی از مقامات بلندپایه حکومت و فرماندهان نظامی شدند. این گردهمایی به دعوت انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی امیرکبیر و «به منظور محکوم

گروه کثیری از دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر در یک گردهمایی بزرگ در این دانشگاه، ترورهای اخیر را محکوم کرده و خواهان برکناری

## اطلاعیه‌های شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در باره نقشه‌های شوم سید علی خامنه‌ای

علی خامنه‌ای، رهبر حکومت اسلامی، سرانجام سکوت طولانی خود در مورد جنایات و ترورهای اخیر را شکست و لب به سخن گشود. اما او به این منظور لب به سخن گشود تا جنایات عوامل خویش را تیره کند و ترورهای اخیر را به گردن مخالفین حکومت اسلامی بیاندازد. خامنه‌ای ضمن تهدید مجدد «نویسندگان مزدور»، مدعی شد جنایات کار ضدانقلاب و عوامل خارجی است و گفت: «تردیدی نیست که در این پیگیری، دخالت مستقیم و غیرمستقیم دشمن در این حوادث روشن خواهد شد!» این سخنان خامنه‌ای، دعوت آشکار ارگان‌های قضایی، اطلاعاتی و امنیتی به برپایی نمایشات و سرهمبندی اعتراضات دروغین از متهمین دروغین است. خامنه‌ای می‌خواهد مسئولیت این جنایات، که اکنون اعتراضات گسترده علیه آن، ارکان و ولایت او را به لرزه آورده است را متوجه نیروهای سیاسی مخالف رژیم و «عوامل بیگانه» سازد و دست خون‌آلود خود و اطرافیانش در این جنایات وحشیانه را پنهان سازد. شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) با نفرت تمام توطئه‌های را که او تدارک می‌بیند محکوم می‌کند و نسبت به نقشه‌ها و نمایش‌های دروغینی که به دستور او از سوی قوه قضاییه شیخ محمدی یزدی و وزارت اطلاعات در دست اجراست، هشدار می‌دهد.

سابقه بیست ساله این حکومت و دهه‌ها ترور و جنایت سیاسی که از سوی آن صورت گرفته است، تردیدی باقی نمی‌گذارد که این جنایات توسط باند‌های ترور و جوخه‌های مرگ وزارت اطلاعات انجام شده است. دادگاه‌های بی‌طرف بین‌المللی اثبات کرده‌اند که علی خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی، سردمدار اصلی شبکه تروریستی جمهوری اسلامی هستند. مردم ایران نیز قضاوت خود را کرده‌اند و می‌دانند که حمایت آشکار و پنهان کسی که خود را رهبر مذهبی و معنوی این رژیم می‌داند، در پشت این کیفیت‌ترین و وحشیانه‌ترین جنایات و آدم‌کشی‌هاست.

دفتر ریاست جمهوری امروز در برابر اعتراض گسترده مردم از جمله نامه‌های سرگشاده نویسندگان و روزنامه‌نگاران دموکرات و غیروابسته به حکومت و نیز روزنامه‌نگاران اسلامی، انجمن صنفی مطبوعات، انجمن روزنامه‌نگاران زن ایران و دهه‌ها نهاد و تشکیلات و سازمانی که به صفوف اعتراض علیه جنایات باند‌های سیاه و جوخه‌های مرگ جمهوری اسلامی پیوسته‌اند، اعلام کرد کمیته ویژه قضایی و امنیتی برای پیگیری این جنایات تشکیل داده و امیدوار است به زودی نتایج آن به آگاهی عموم برسد. ما خواهان روشن شدن بی‌کم و کاست همه حقایق و مسئولیت کسانی که در پشت این ترورها قرار دارند، هستیم. ما به نوبه خود هشدار می‌دهیم که اگر رئیس‌جمهور بخواهد در این نمایش رسوایی که تدارک دیده می‌شود با ولی‌فقیه و قوه قضاییه آن همسو شود و یا همچنان ساکت بماند، مردم و آزادی‌خواهان ایران هرگز او را نخواهند بخشید.

### گسترده‌تر باد مبارزه سراسری مردم ایران

علیه تروریسم حکومت اسلامی!  
شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)  
۱۳۷۷ آذر ماه ۲۴

### اطلاعیه شورای مرکزی

### سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

### سردمداران ترورها می‌کوشند تا کسانی را بازداشت و با شکنجه به اعتراف نادرست

### در باره ترورها ناچار کنند!

برابر اطلاعات رسیده و اظهارات بخشی از سران جمهوری اسلامی، قصد حکومت این است تا برای تأیید ادعای خود مبنی بر «دخالت دست خارجی» در ترورهای اخیر، کسانی را دستگیر و زیر فشار و شکنجه ناچار به اعتراف در این باره کند. تاکنون، به جز چند نفر از اعضای دولت، همه سرکردگان اصلی جمهوری اسلامی، کشورهای خارجی، وابستگان کشورهای خارجی و یا مجاهدین را عامل ترورهای اخیر معرفی کرده‌اند. اظهارات خامنه‌ای، و پس از وی و به تقلید او، اظهارات رئیس قوه قضاییه، فرمانده سپاه پاسداران و دیگران، همه و همه روشن می‌کند که حکومت طبق یک نقشه حساب شده، از یکسو می‌کوشد تا به آزادخواهان ایران تفهیم کند که این ترورها در آینده در داخل و خارج ادامه خواهد یافت، و از سوی دیگر برای گمراه کردن مردم ایران و دولتهای غربی، با قربانی کردن شماری انسان و ترور آنان پیش پای تروریسم خود، ماسکی برای چهرهٔ پلید خویش درست کند و خود را نزد سوادگرایان که برای معاملات به تیرهٔ آن نیاز دارند تیره کند. یکی از بی‌شمارانه ترین اقدامات این است که حکومت ایران همزمان با این تلاشهای سذبوحانه مشغول تکمیل لیستهای ترور و اعزام دسته‌های تروریست به خارج از کشور است.

اکنون که مردم آزاده در هر گوشهٔ ایران و جهان، به اشکال مختلف علیه این رژیم ترور به اعتراض برخاسته‌اند، لازم است که ما با همه توان قطعیت سردمداری حکومت را در این قضایای بی‌شمارانه به گوش جهانیان برسانیم و نقشهٔ تبهکاران برای پایمال کردن خون عزیزان مردم ایران را خنثی کنیم. حکومت ایران با این توطئه‌های بی‌شمارانه تنها آبروی نداشتته خود را پیش از پیش بر باد می‌دهد. مردم ایران و جهان برای بازشناسی منش ترورهای سیاسی نیازی به ادله تروریستی حاکم ندارند. برای ایرانیان و جهانیان هیچ چیز آشکارتر از این نیست که حکومت ایران عامل اصلی مجموع ترورهای سیاسی عقیدتی در کشور است.

ما همصدا با دیگر نیروهای آزادیخواه ایران خواستار اعزام یک هیئت بین‌المللی برای بررسی قتل‌های اخیر در ایران هستیم.

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)  
۱۷ دسامبر ۹۸

## پیام شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به مردم ایران

### اعتراض علیه ترورهای حکومت اسلامی را به مقاومت ملی و سراسری تبدیل کنیم!

مخالفین حکومت و نیروهای خارجی انداخته‌اند و زمینه‌نمایی را آماده کرده‌اند که قوه قضاییه و وزارت اطلاعات در کار آغاز و اجرای آن هستند.

اکنون وضعیت کاملاً حساسی پدید آمده است. ما از یک سو با آندوه و درد شاهدان دست دادن عزیزترین هم‌زمان و هم‌فکران خویش هستیم و از سوی دیگر شاهد اعتراضات گسترده شما می‌باشیم که به مبارزه با تروریسم برخاسته‌اید. این مبارزه غرورآفرین است و برای نخستین بار سران رژیم را به محکوم ساختن جنایات خویش وادار کرده است. اما خطر همچنان باقی است. دشمنان آزادی و آزادی‌خواهان، نقشه‌های پیشماری را تهیه کرده‌اند. چه بسا آن‌ها در برابر موج اعتراض چند صباحی عقب نشینند، اما دست از ترور برنخواهند داشت که ترور و جنایت سیاست و کار همیشگی آن‌هاست و امروز نیز هر چند فرورها و مختاری‌ها و پوینده‌ها را از سر راه برداشته‌اند، اما هنوز تا استقرار حکومت سرکوب‌گر مورد علاقه خود راه و کار زیادی در پیش دارند. آنان ده‌ها نفر از آزادی‌خواهان، رهبران احزاب سیاسی، نویسندگان و شاعران و روزنامه‌نگاران و دانشجویان را برای ترور نشانده گرفته‌اند. اما از این سو، می‌توان امیدوار نیز بود. می‌توان امیدوار بود اعتراض سراسری و همگانی که علیه ترور و جنایت‌کاران در ایران و خارج از ایران بپاخواسته است، نقشه‌های ولی‌فقیه و هم‌دستانش را با ناکامی مواجه کند و آنان را به سزای اعمالشان برساند. این اعتراضات اگر فرو نشینند و ادامه یابد، می‌تواند ضربه‌های کاری بر دشمنان آزادی در ایران فرود آورد و جنبشی را که با دوم خرداد اوج گرفته است، باز هم به پیش راند.

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) با توجه به این وضعیت حساس، بر موارد زیر تأکید می‌کند:

- سردمداران ترورهای اخیر که در ظرف چند هفته پنج تن از مخالفین خویش را به قتل رسانده‌اند، آماده‌اند که جنایات خود را ادامه دهند. ما دانشجویان، روزنامه‌نگاران، نویسندگان، آزادی‌خواهان و همه زنان و مردان شریف هم‌میهن خویش را به یکبار متحد و یک‌پارچه علیه تروریسم و ایجاد یک مقاومت ملی علیه سران جنایت‌کار شبکه‌های تروریستی و جوخه‌های مرگ فرا می‌خوانیم و همگان را به همدلی، همکاری و اتحاد عمل در هر سطح و به هر میزان برای مبارزه با ترور و نجات جان آزادی‌خواهانی که هدف بعدی تروریست‌ها هستند، دعوت می‌کنیم.

ما نگرانی عمیق خود را از سرنوشت اسرای جمهوری اسلامی، از جمله پیروز دوانی، حجت‌الاسلام سعیدزاده، علی توسلی و عباس امیرانتظام اعلام می‌کنیم و تلاش برای نجات آنان را یک وظیفه ملی و آزادی‌خواهانه مبرم می‌شماریم.

- ترور و جنایت به مخالفین حکومت، غیرمذهبی‌ها و دگراندیشان محدود نخواهد ماند. اگر جنایت‌کاران بتوانند به جنایات خود ادامه دهند، بدون تردید تیغ‌های برهنه خود را متوجه روشنفکران، نویسندگان و فعالین مذهبی اصلاح‌طلب رژیم نیز خواهند نمود. پیوستن بیشتری از این نیروها به مبارزه علیه جنایات اخیر، خود ناشی از این واقعیت است. ما نیروهای اصلاح‌طلب حکومتی معترض علیه ترورهای اخیر را به افشای باند‌های ترور و جنایت و حمایت بیشتر از نیروهای دگراندیشی که فعلاً آماج اصلی ترورها هستند، فرا می‌خوانیم.

- ای‌تالله خامنه‌ای، رفسنجانی و عوامل آن‌ها در قوه قضاییه و وزارت اطلاعات، در تدارک آنند که ترورهای اخیر را به نیروهای مخالف حکومت نسبت دهند. ما از هم اکنون نسبت به این توطئه شوم هشدار می‌دهیم و همه آزادی‌خواهان ایران را برای افشای این توطئه به یاری می‌طلبیم. از اصلاح‌طلبان جناح چپ حکومت و به ویژه شخص رئیس‌جمهور مصرانه می‌خواهیم در برابر این نقشه شوم بایستند و آن را افشا کنند. ما خواهان اقدامات فوری، قاطع و ضرور توسط دولت آقای خاتمی برای جلوگیری از تکرار این جنایات هستیم. برکناری وزیر اطلاعات که از عوامل وابسته به باند ولایت‌فقیه و سرکردگان تروریست‌هاست، متلاشی کردن شبکه تروری که این وزارت‌خانه برپا کرده، برکناری فوری همه مقامات و فرماندهانی که مردم را آشکارا به کشتار دعوت می‌کنند، نظیر فرمانده سپاه پاسداران، از جمله اقداماتی است که باید به فوریت انجام پذیرد.

ما ضمن ابراز ناخشنودی شدید، از راکد ماندن پرونده این جنایات و وعده‌هایی که تا به امروز به عمل درنیامده‌اند، از آقای خاتمی مصرانه می‌خواهیم که عاملان این جنایات اخیر را به فوریت به مردم ایران معرفی کند و آنان را مورد محاکمه و مجازات قرار دهد. از مردم ایران درخواست می‌کنیم خود دست‌بکار شوند و هر گونه اطلاعات و حتی اخبار تایید نشده‌ای که از اقدامات تروریستی و عناصر جنایت‌کار که به دستشان می‌رسد را به هر وسیله‌ای که می‌توانند به خارج از کشور ارسال کنند. هر گام کوچک در افشای عاملین ترورها و نقشه‌هایی که آنان در سر دارند، ضربه‌ای بر پیکر این شبکه مخوف خواهد بود.

بگذار تروریست‌ها بدانند که همهٔ مردم ایران کمر به افشا و مجازات آنان بسته‌اند. شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) با ابراز احترام نسبت به خاطره داریوش فروهر، پروانه اسکندری، رضا حاجی‌زاده، مجید شریف، محمد مختاری، محمدجعفر پوینده و همه قربانیان مبارزه در راه آزادی، امیدوار است که فاجعه مرگ آنان همه مردم ایران و آزادی‌خواهان کشور را در مسیری قرار دهد که دیگر هرگز اجازه ندهند، نویسندگان و مبارزان آزادی خواه، این چنین معصومانه به خاک افشند!

### درد بیکران بر خاطره

داریوش فروهر، پروانه اسکندری، مجید شریف

محمد مختاری، محمدجعفر پوینده و رضا حاجی‌زاده!

زنده باد آزادی!

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)  
۱۳۷۷ آذر ماه ۲۵

ایران در آندوه جمعی از بهترین فرزندان خود به سوگ نشسته است. ترور وحشیانه داریوش فروهر و پروانه فروهر، مجید شریف، محمد مختاری، محمدجعفر پوینده تنها در ظرف چند هفته، مردم ایران را در بهت و حیرت و خشم و آندوه فرو برده است. تیم‌های ترور و جوخه‌های مرگ حکومت اسلامی، این شیر زن و دلاور مردان میهن ما را با بی‌رحمی و قساوتی بی‌نظیر به قتل رسانده‌اند تا بر کشور ما بار دیگر گرد یاس و ناامیدی بپاشند و هراس و وحشت بپراکنند. هدف این جنایات کثیف، بر کسی پوشیده نیست. جنایتکاران و مزدوران آدم‌کش با این جنایات دستاوردهای مبارزه شگوهمند مردم ایران را هدف قرار داده‌اند و می‌خواهند وضعیت کشور را به دوران سیاه قبل از دوم خرداد بازگردانند. آن‌ها با این ترورها می‌خواهند دانشجویان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، کارگران، زنان و جوانان را مرعوب سازند و آن‌ها را از ادامه مبارزه‌ای که علیه استبداد آغاز کرده‌اند، باز دارند. فرورها، شریف، مختاری و پوینده را به بیرحمانه‌ترین شکل کشته‌اند تا دیگر کسی در ایران جرات نکند از آزادی و عدالت سخن گوید. آن‌ها را کشته‌اند تا به مردم بقبولانند که مبارزه آن‌ها برای آزادی، امنیت را از بین می‌برد و اگر مردم امنیت می‌خواهند باید به فرمان و اراده مستبدین گردن نهند. این جنایات، ادامه اعمال سرکوب‌گرانه‌ای است که با بستن روزنامه‌ها و حمله به اجتماعات و سلب آزادی‌های مردم آغاز شده و اینک به جنایت‌کارانه‌ترین و غیرقابل تحمل‌ترین اشکال خود رسیده است.

کسانی که این جنایات و وحشیانه را انجام داده‌اند، ناشناخته نیستند، آن‌ها همان کسانی هستند که هزاران اسیر را در زندان‌ها قتل عام کردند، شاپور بختیار را به قتل رساندند، دکتر عبدالرحمن قاسملو را کشتند، کاظم رجوی را ترور کردند، دکتر شرفکندی و پارانش را به گلوله بستند، دکتر کاظم سامی را به شهادت رساندند. جنایت‌کاران همان کسانی هستند که رسماً اعلام کرده‌اند زبان مخالفینشان را خواهند برید و گردن آن‌ها را قطع خواهند کرد. سران اصلی همه این جنایات، سردمداران اصلی حکومت اسلامی هستند. دادگاه‌های بین‌المللی نقش سید علی خامنه‌ای و علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی را در ترور مخالفین خویش به اثبات رسانده‌اند و این‌ها می‌خواهند مازورانه «عوامل بیرون از مرزها» را عامل جنایاتی که به دستور خودشان صورت گرفته، معرفی کنند.

مردم شریف ایران!

اعتراضات گسترده شما علیه ترورهای جنایت‌کارانه اخیر، برای نخستین بار اعتراض علیه تروریسم حکومت اسلامی را به یک اعتراض همگانی و ملی تبدیل کرده و جنایت‌کاران را در تنگنا قرار داده است. حامیان ولایت‌فقیه که قصد داشتند با انجام این ترورها، مردم را بترسانند و به خانه‌هایشان بازگردانند، اکنون با صفوف ده‌ها هزار نفری آزادی‌خواهی و پیرو شده‌اند که در مراسم تشییع جنازه داریوش و پروانه فروهر، محمد مختاری و محمدجعفر پوینده، عزم و اراده خود را برای مقابله با این جنایات اعلام می‌دارند. آن‌ها اکنون در برابر دانشجویان شجاعی قرار گرفته‌اند که دانشگاه‌ها را به صحنه اعتراض علیه تروریسم جمهوری اسلامی تبدیل کرده و نویسندگان و روشنفکرانی را رو در روی خود یافته‌اند که با شهامت و استواری بیشتری حقوق خود را می‌طلبند، آنان اکنون روزنامه‌نگاران شجاعی را در برابر خود دارند که پرده‌های سکوت و دروغ را دریده‌اند و فاجعه‌گشتار آزادی‌خواهان و فرهنگ‌سازان این کشور را به یک اعتراض ملی تبدیل کرده‌اند. در این پیکار مقدس، آزادی‌خواهان ایرانی در خارج از کشور نیز صحنه‌های پرشوری آفریده‌اند و با تلاش خستگی‌ناپذیر خود فریاد اعتراض علیه جنایات رژیم را تا چهار گوشه دنیا برده‌اند. در نتیجه این مبارزه، اکنون همه جهانیان نیز می‌دانند که در ایران چه فاجعه تکان‌دهنده‌ای اتفاق افتاده است و جهان این جنایات و عاملین آن‌ها را محکوم می‌کند.

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) بر همه دانشجویان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و کلیه آزادی‌خواهانی که در ایران و خارج از ایران، علیه ترورهای جنایت‌کارانه اخیر زبان به اعتراض گشوده‌اند، درود می‌فرستد و مبارزه و شهامت و شجاعت آنان را تحسین می‌کند.

نویسندگان، شاعران، روزنامه‌نگاران و روشنفکران شجاع ایران! ما ضمن اعلام همبستگی با شما آزاداندیشان، از خواسته‌ها و از جمله از نامه‌هایی که خطاب به ملت ایران و رییس‌جمهور انتشار داده‌اید، قویا پشتیبانی می‌کنیم و به سهم خود خواهان تحقق این مطالبات در جهت تامین امنیت جهانی نویسندگان، تشکیلات کانون نویسندگان ایران و برقراری آزادی بیان و قلم هستیم.

دانشجویان مبارز!

ما از خواسته‌هایی که شما در مبارزه خود علیه تروریسم و استبداد عنوان کرده‌اید، از جمله برکناری رئیس قوه قضاییه، وزیر اطلاعات و فرمانده سپاه پاسداران، قویا حمایت می‌کنیم و شما دانشجویان مبارز ایران را به پشتیبانی از نویسندگان کشور و تشدید مبارزه علیه استبداد و تروریسم دعوت می‌کنیم. نقش شما در این مبارزه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شما مددخاران و پسران دانشجو، آغازگر جنبش پرشکوهی بوده‌اید که از دوم خرداد تا به امروز فضای میهن ما را دگرگون کرده است و اکنون نیز می‌توانید بزرگ‌ترین نیروی اعتراض علیه تروریسم و وحشیانه باند‌های وابسته به ولایت‌فقیه را سازمان دهید.

مردم ایران!

تبدیل اعتراض علیه جنایات رژیم به یک اعتراض ملی، عاملین این جنایات را وادار کرده است که به سکوت خود پایان بدهند. علی خامنه‌ای و علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، آخرین کسانی هستند که مهر سکوت را از لب برداشتند، اما این هر دو سردمدار ترور و جنایت در ایران، جنایاتی را که به دستور و توصیه خودشان انجام شده است، به گردن

## دانشجویان خواهان برکناری رئیس قوه قضاییه...

سخنانی گفت: برای استقرار امنیت در جامعه، لازم است مسئولان قاتلان را هرچه زودتر شناسایی کنند و به مجازات برسانند. دانشجویان سپس در محوطه دانشگاه دست به راهپیمایی زدند و علیه وزیر اطلاعات، رئیس قوه قضاییه و گروه دیگری از مسئولان جمهوری اسلامی شعار دادند. دانشجویان پرچم‌های ایران، بدون نشان جمهوری اسلامی، و همچنین تصاویر قربانیان جنایات تروریستی اخیر را به دست داشتند و یک‌پارچه فریاد

ادامه از صفحه اول منتشر کردند، تأکید شده بود محور اصلی تجمع دانشجویان «اعتراض به عدم برخورد قوه قضاییه و وزارت اطلاعات با عاملان فجایع اخیر» خواهد بود. بنابه گزارش‌ها، بیش از هزار دانشجوی دانشگاه امیرکبیر و همچنین گروهی از دانشجویان سایر دانشگاه‌های تهران در این گردهمایی اعتراضی شرکت کردند و به قتل نویسندگان و آزادی‌خواهان ایران اعتراض نمودند. علی افشاری دبیر انجمن اسلامی دانشگاه پلی‌تکنیک در

## آقای خامنه‌ای! شما مسئول اصلی...

ادامه از صفحه اول

شما آشکارا و به دفعات نگفته‌اید که باید روند آزادی قطع و آزادیخواهان سرکوب شوند؟ مگر شما در همین سخنرانی اخیر خود بار دیگر برای آزادی و آزادیخواهان خط و نشان نکشیده‌اید؟ مگر هم‌زمان با این قتل‌ها به صلاحدید شخص شما نشریات جدیدی تعطیل نمی‌شوند و نویسندگان و روزنامه‌نگاران جدیدی آماج حمله قرار نمی‌گیرند؟ آیا مسخره‌تر از این چیزی هست که حکومتی اعلام کند که آزادی و همهٔ آزادیخواهان را سرکوب و قلع و قمع می‌کند و نهادهای سرکوب را نیز برای انجام این عمل راهی خیابانها کند و آنگاه به مردم بگوید که عاملین و مأموران آمریکا و اسرائیل و دیگر کشورها آمده‌اند و دست به این جنایات زده‌اند؟ آخر مردم ایران هم مثل دیگر مردم دنیا عقل دارند و حکومت شما موفق نشده که همهٔ آن را از آنان مصادرهٔ انقلابی کند!

آقای خامنه‌ای، شما هزار بار ثابت کرده‌اید که به ارادهٔ مردم تمکین نمی‌کنید و آنان سرانجام راهی برای خرد کردن ارادهٔ اهریمنی شما خواهند یافت. □

### لیست سیاه ترور را منتشر کنید!

سلام هم افتاده است. خواست مصرا نه ما این است که این لیست باید هر چه زودتر از سوی کسانی که مخالف ترورها هستند، منتشر شود. بی‌توجهی و تردید در این زمینه می‌تواند به جنایات تازه‌تری بیانجامد. آنانی که امروز اطلاعاتی در مورد قربانیان بعدی ماشین ترور حکومت دارند و به هر دلیل سکوت می‌کنند، فردا نمی‌توانند خود را بیگناه بدانند. انتشار این لیست یک وظیفه ملی، اخلاقی و انسانی است!

که حکومت برای تکمیل جنایات خویش، تیم‌های تازه ترور را به خارج از کشور اعزام کرده است. برخی روزنامه‌های رژیم نیز به وجود لیست سیاه ترور اشاره کرده‌اند و برخی گزارش‌ها نشان می‌دهند که اطلاعاتی در این زمینه در اختیار آنان نیز هست. کاملاً طبیعی و منطقی است که جناح چپ رژیم که خود را مخالف ترور نشان می‌دهد، از کم و کیف این لیست سیاه، اطلاعات بسیار بیشتری داشته باشد. از جمله گفته می‌شود که این لیست به دست گردانندگان روزنامه

در ایران و خارج از کشور، همه جا سخن از لیست سیاهی است که حکومت برای ترور مخالفین خویش تهیه کرده است. گفته می‌شود قوه قضاییه شیخ محمد یزدی و وزارت اطلاعات در تهیه این لیست نقش اساسی داشته‌اند. همه شواهد نشانگر این است که چنین لیستی وجود دارد. در برخی خبرها، سخن از دو لیست سیاه ترور در داخل کشور و یک لیست از رهبران و فعالان اپوزیسیون در خارج از کشور، خبرهایی منتشر شده است

**این نفس‌تین بار نیست!**  
وزارت اطلاعات سال‌هاست که برای کشتن نویسندگان ایرانی نقشه می‌کشد

● ماموران این وزارت‌خانه محمد مختاری را آشکارا به مرگ تهدید کرده بودند  
● نقشه‌ای که قرار بود در آن بیش از بیست نفر از نویسندگان کشور به قهر درای پرتاب شوند، از زبان منصور کوشان و فرج سرکوهی



راندند اتوبوس خود را از پشت فرمان به بیرون پرت کرد. اتوبوس در حال سرازیر شدن به دره بود که یکی از نویسندگان که در کنار راننده نشسته بود، پشت فرمان پرید و اتوبوس را در لحظات آخر کنترل کرد. به دنبال این واقعه پنچ دقیقه‌ای طول کشید که دیدیم سر و کله یک بنز زرد رنگ پیدا شد و دو مقام امنیتی به طرف ما آمدند و گفتند الان ترتیب اعزام ما را می‌دهند. تازه فهمیدیم که این ماشین بنز زرد رنگ از ابتدا ما را تعقیب می‌کرده، زیرا در طول راه چند بار آن را دیده بودیم. به دنبال آمدن این دو مقام امنیتی، سر و کله پاسداران هم پیدا شد. به گفته کوشان، نویسندگان در این اتوبوس بودند که هرگز نتوانسته بودند پاسپورت بگیرند، اما هنگام این سفر همه آن‌ها، از جمله خود او، خیلی راحت پاسپورت گرفته بودند. کوشان گفت: پس از آن که به استارا رسیدیم باز هم ما را به محل نیروهای امنیتی این شهر بردند و مورد بازجویی قرار گرفتیم.

وقتی خامنه‌ای خود به سخن آمد و ریاکارانه اعلام کرد تردیدی ندارد این جنایات کار «دشمن» است، همه عوامل ریز و درشت ولایت به جنب و جوش درآمدند تا «یقین» رهبرشان را به «یقین» مردم تبدیل کنند. آنان اکنون چنان مسی‌گویند و می‌نویسند که گویا نویسندگان ایران تا به امروز در پناه عطف‌ت اسلامی آنان قرار داشته‌اند و دست‌هایی نامرئی، این خون‌ها را بر زمین ریخته است.

تتها یادآوری مختصر آن‌چه این رژیم تا به امروز با نویسندگان کشور کرده است، کافی است تا «دشمن» شناخته شود. به راستی چه کسانی دشمنان نویسندگان و شاعران و روشنفکران این سرزمین و بوم بوده‌اند؟ چه کسانی تا به امروز نگذاشته‌اند آب خوش از گلولی آنان پایین برود، چه کسانی در از تهدید و فشار و بازداشت آنان دست برنداشته‌اند، چه کسانی برای قتل آنان نقشه کشیده‌اند؟

فرج سرکوهی، نویسنده دیگری که قرار بود در جریان این توطئه کشته شود، در این مورد به خبرنگار بی‌بی‌سی گفت:

نقشه بودند، ماموران وزارت اطلاعات گفته بودند.

توسط قتل دسته‌جمعی نویسندگان توسط وزارت اطلاعات نمونه دیگر، توطئه‌ای است که از سوی وزارت اطلاعات رژیم برای قتل دسته‌جمعی بیش از بیست نفر از نویسندگان کشور، به هنگام سفر به ارمنستان رخ داد. نویسندگانی که ناظر آن حادثه بودند، اکنون اطلاعات دقیق‌تری را منتشر کرده‌اند.

به دعوت کانون نویسندگان قرار بود به ارمنستان برویم. در راه گردنه حیران، نزدیک مرز استارا، راننده سعی کرد ما را به دره پرتاب کند و این کار را دو بار انجام داد و جالب این بود که بعد از ۳-۴ دقیقه، دو تا از ماموران وزارت اطلاعات در صحنه حضور پیدا کردند و ما مدتی معطل شدیم. بعد، این دو مامور وزارت اطلاعات من و آقای سپانو را صدا کردند. یعنی اسم ما را می‌دانستند، یعنی تصادفی آن‌جا نبودند. گفتند شما باید بیستید تا آقای هاشمی، که بعدا بازجویی من هم بود، بیاید. ایشان آمد و ما را اول به پاسگاه بردند و بعد وزارت اطلاعات استارا و یک شب هم آن‌جا بازداشت کردند، در حالی که قاعدتا باید راننده بازداشت می‌شد نه ما. قبل از این هم جلوی ماشین ما یک ماشین شخصی حرکت می‌کرد که از همان ماشین شخصی بود که این دو مامور آمدند، یعنی معلوم بود که ماشین ما اسکورت می‌شود و صحنه از پیش آماده شده است. بعد از آن هم هیچ پیگیری در این مورد نشد. ما به کجا می‌باید پیگیری می‌کردیم و معلوم نشد که بیست و دو نفر نویسنده مملکت را چه کسانی و به چه دلیل می‌خواستند از دره پرت کنند و بکشند. به ما گفتند اگر بروید این را مطرح کنید و بهانه به دست ضدانقلاب بدهید، تنبیه خواهید شد...

محمود کوشان، یکی از نویسندگانی که قرار بوده قربانی این توطئه شود، اخیراً در سوئد در این باره چنین گفته است: به مناسبت سالگرد تولد نیمه، نویسندگان ارمنستان از ما دعوت کردند که در گرامی‌داشت این روز که قرار است در ارمنستان برگزار شود، نویسندگان ایرانی نیز شرکت کنند. چون بلیط هواپیما گران بود، قرار بر آن شد که نویسندگان ایرانی با اتوبوس به ارمنستان بروند. غفارزاده، یکی از نویسندگانی که بعدا کشته شد به من گفت: می‌ترسم اتوبوس ما را توی دره بیانندازند. ما هم کمی محتاط عمل کنیم. با نویسندگان ارمنستان تماس گرفتیم و قرار شد آن‌ها اتوبوسی سر مرز بیاورند و ما را در آن جا تحویل بگیرند و با خود ببرند. به گفته منصور کوشان، نویسندگان فکر می‌کردند چون دولت ارمنستان به لحاظ مالی خیلی ضعیف و محتاج ایران است، آن‌ها می‌ترسیدند که ماموران امنیتی ایران برای رهایی از عراق کشتن نویسندگان، نقشه خود را در خاک ارمنستان انجام دهند و گناه و مسئولیت آن را به عهده ارمنستان بیانندازند و آن‌ها نیز به علت نیازی که به ایران دارند، قضا را بپذیرند.

مأموران وزارت اطلاعات به مختاری گفته بودند او را خواهند کشت

زندگی‌یاد محمد مختاری که بارها از سوی عوامل وزارت اطلاعات بازداشت و تهدید به قتل شده بود، به دنبال یکی از بازجویی‌ها، به یکی از نزدیکانش گفته بود که آن‌ها را به صراحت به قتل تهدید کرده و گفته بودند: فکر نکنید ما شما را به زندان می‌بریم تا از شما قهرمان درست شود، خیر. ما طرح‌های بسیار دقیق دیگری داریم. خیلی ساده است، شما دارید از خیابان عبور می‌کنید و تصادف می‌کنید، یا دارید به مسافرت می‌روید و اتفاق ناگواری برایتان رخ می‌دهد. امکان دارد این اتفاق برای خانواده‌تان هم رخ دهد. این سخنان را «عوامل استخبار» به محمد مختاری

از ماسک ضد آلودگی هوا خبری نبود، اما بسیاری از مردم با پوشاندن بینی و دهان خود توسط پارچه، به مقابله با آلودگی هوای کثیف تهران رفتند.

از ماسک ضد آلودگی هوا خبری نبود، اما بسیاری از مردم با پوشاندن بینی و دهان خود توسط پارچه، به مقابله با آلودگی هوای کثیف تهران رفتند.

از ماسک ضد آلودگی هوا خبری نبود، اما بسیاری از مردم با پوشاندن بینی و دهان خود توسط پارچه، به مقابله با آلودگی هوای کثیف تهران رفتند.

از ماسک ضد آلودگی هوا خبری نبود، اما بسیاری از مردم با پوشاندن بینی و دهان خود توسط پارچه، به مقابله با آلودگی هوای کثیف تهران رفتند.

از ماسک ضد آلودگی هوا خبری نبود، اما بسیاری از مردم با پوشاندن بینی و دهان خود توسط پارچه، به مقابله با آلودگی هوای کثیف تهران رفتند.

از ماسک ضد آلودگی هوا خبری نبود، اما بسیاری از مردم با پوشاندن بینی و دهان خود توسط پارچه، به مقابله با آلودگی هوای کثیف تهران رفتند.

### نامه سرگشاده شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به آقای خاتمی، رئیس جمهور شما سرمداران این ترورها را می‌شناسید آنان را به مردم معرفی کنید

آقای خاتمی! فرزندان این کشور یک به یک به خاک و خون فرو می‌غلطند، این همه از دولت شما جز محکومیت کلامی و وعده‌های بی‌پشتوانه برای تعقیب مجرمین چیزی دیده نمی‌شود. به هنگامی که بهترین فرزندان این سرزمین توسط مأموران حکومت ربوده می‌شوند و به قتل می‌رسند، وقتی در کشوری به خاطر کلامی به آزادی گفتن یا نوشتن انسانها مستحکم این شکنجه‌های جهنمی می‌شوند و به رنجبارترین اشکال به قتل می‌رسند، سخن پراکنی‌های با شکوه در باره تمدن و فرهنگ، و پیشگام و نامودن چنین حکومتی در گفتگوی فرهنگ‌ها، کژراهه است و سرمه نهادن بر اسپری دیو. به راستی نمایندگان جمهوری اسلامی در آنچه «گفتگوی تمدن‌ها» نامیده می‌شود چه کسانی هستند جز سردمداران هولناک‌ترین تبهکاریهای تاریخ معاصر این کشور؟ شما باید از ساختن گردن‌بندهای زیبای کلامی برای هیولای ولایت قتیبه دست بردارید و قبل از آن که برای نشستن پشت میز بحث جهانی فرهنگ‌ها آماده شوید، جلو قطع زبان بریدن سر فرهنگ آفرینان این کشور بدست هم‌حکومتی‌های خود را بگیرید. شما میدانید که در این کشور و بدست حکومتی که اکنون شما رئیس جمهور آن هستید آزادی و فرهنگ و قانونیت و انسانیت و حرمت زندگی نابود شده و در جای آن دوزخی زمینی با جویهای خون و چشمه‌های زهر و باغهای مسموم بنا شده است. در چنین شرایطی، چنانچه شما بخواهید به وعده‌های خود به مردم ایران وفادار باشید، چنانچه بخواهید گامهای جدی در راه قانونیت و فضای باز سیاسی و تأمین حقوق شهروندان بردارید، ناچار خواهید بود به نبردی بسیار جدی تر و قاطع تر، و به گستردن میدان نبرد در شعاع زندگی و کار و پیکار مردم بپردازید. هیچ کس نمی‌تواند در سایه و با مماشات و چشم پوشی بر موارد شدید نقض حقوق بشرکاری در اصلاح کشور انجام دهد.

آقای رئیس جمهور! گام نخست در هرگونه حرکت جدی برای هرگونه اصلاح جدی در وضع این کشور همانا ایستادن قاطعانه در برابر تروریسم و تروریت‌هاست. امروزه بزرگ‌ترین نشانه جدیت یک اقدام غیرخواهانه همانا واکنش قاطع انسانی و مدنی در برابر قتل آزادی و آزادیخواهان است. در جهان هیچ تبهکاری بالاتر از قتل وجود ندارد، و هنگامی که قتل به انسانهایی برگردد که رسانشان تلاش برای پایان دادن به قتل و خشونت در زندگی آدمی است، این تبهکاری هزار بار کریم‌تر از آنچه شما می‌شود. شما که به موقع و به راستی عملیات تروریستی اخیر را محکوم کرده‌اید، همزمان باید برای جلوگیری از شکنجه و کشتار دیگر شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی کشور چاره اندیشی می‌کردید. شما به عنوان رئیس دولت، در برابر هرگونه تعقیب و شکنجه و کشتار مردم مسئول هستید و اگر بی‌درنگ تدابیر ضرور برای حفظ جان نویسندگان و هنرمندان و

آقای رئیس جمهور! شما به مردم وعده پیگیری ترورهای اخیر را می‌دهید، اما نهادهایی که شما آنها را مسئول این کار کرده‌اید خود مستقیم یا غیر مستقیم حامی تروریسم و ترورها هستند. مردم ایران هر روزه در معرض حمله و سرکوب این نهادها قانون شکن هستند. مردم از دست خود این نهادها به فغان آمده‌اند. مردم خواهان خلاص شدن از تعرض این نهادها هستند. مردم خواستار برکناری همه مسئولین ذریعی هستند که در شعاع مسئولیت آنان این تبهکاریها انجام می‌گیرد. وزیر اطلاعات باید برکنار شود. فرمانده سپاه پاسداران که به آزادیخواهان اعلام جنگ داده و آنچه را که این روزها به وقع پیوسته پیشاپیش مشخص کرده بود، باید برکنار و محاکمه گردد. رئیس قوه قضاییه که یکی از طراحان اصلی سرکوب و ترور آزادیخواهان و از محرکین مستقیم کشتارهای اخیر است باید بی‌درنگ برکنار گردد. شما سردمداران تروریسم و ترورها را می‌شناسید، آنان را به مردم معرفی کنید!

آقای رئیس جمهور! همانگونه که شما مکرراً اعلام کرده‌اید که با کسی شوخی ندارید، باید بدانید که مردم ایران نیز با کسی شوخی ندارند. ملاک این مردم برای قضاوت در باره مسئولین و نهادها عمل آنان است و نه حرف‌های آنان. مردم از شما عمل، آنهم عمل به موقع و قاطعانه، و قبل از همه اقدام برای تأمین حقوق اجتماعی و مدنی خود را خواستارند. مردم خواستار آزادی و امنیت و دستیابی به همه حقوق سیاسی، اجتماعی و مدنی خویش هستند و علیرغم همه تبهکاریهای ارتجاع به این خواست‌ها دست خواهند یافت.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۷ دسامبر ۱۹۹۸

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۷ دسامبر ۱۹۹۸

### نامه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به وزیر امور خارجه آلمان

سر نوشتش در دست باشد و حتی خبر دستگیری‌اش اعلام شود، در دست جمهوری اسلامی اسیر است. در داخل ایران، قتل‌ها که به روشنی رد پای افراطیون مذهبی در خدمت رهبری حکومت ایران در آن دیده می‌شود، موجی از اعتراض و تظاهرات برانگیخته است. علیرغم ترور و اراغاب، مردم به پا می‌خیزند. اما افکار عمومی بین‌المللی ساکت است. به ویژه دولت‌های غربی چشم بر تاخت و تاز جنایتکاران در ایران بسته‌اند. به نظر می‌رسد اخبار جدید از ایران با تصویر تبلیغاتی به اصطلاح میان‌رو شدن حکومت ایران نمی‌خواند. غرب به چنین تبلیغاتی برای بهبود مناسبات سیاسی و اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران نیاز

جناب آقای وزیر! فعالیت شما در صفوف اتحاد ۹۰ - سبزا و نخستین اظهارات شما در مقام وزارت امور خارجه جمهوری فدرال آلمان، این امید را ایجاد کرده بود که از این پس، حقوق بشر در سیاست خارجی کشور شما اهمیت بیشتری خواهد یافت. ما با رضایت شاهد آن بودیم که شما هنگامی که نماینده اپوزیسیون در پارلمان آلمان بودید، به دولت کپلر اجازه ندادید میزان وزیر خارجه وقت ایران باشد. مصاحبه‌های شما به عنوان وزیر که در آنها گفتید در آلمان از روشنفکران تحت تعقیب سیاسی از سراسر جهان با آغوش باز استقبال خواهد شد، به ما امیدواری داد. اما اکنون با تأسف شاهد آنیم که از زبان شما حتی یک کلمه در

### آلودگی هوای تهران چند نفر را کشت



از ماسک ضد آلودگی هوا خبری نبود، اما بسیاری از مردم با پوشاندن بینی و دهان خود توسط پارچه، به مقابله با آلودگی هوای کثیف تهران رفتند.

آلودگی شدید هوا در تهران باعث شد این شهر چند میلیون نفری هفته گذشته به مدت سه روز به حال نیمه تعطیل درآید. روزهای یکشنبه، دوشنبه و سه‌شنبه مدارس ابتدایی و متوسطه تعطیل شدند. اختطار سازمان محیط زیست و اقدام مسئولان، زمانی صورت گرفت که میزان متواکسید کربن هوا و سایر آلاینده‌ها به چندین برابر رسیده و بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها از بیماران قلبی و تنفسی پر شده بود. بعد از آن که آلودگی هوا چندین قربانی گرفت، مسئولان با یک اقدام ضربتی و ممنوعیت تردد اتوموبیل‌ها و موتورسیکلت‌های دودزا، آلودگی را تا حدی کاهش دادند. ارتفاعات برف گرفته البرز که پیدا شد، سازمان‌های بهداشت و محیط زیست آژیر وضعیت عادی را به صدا درآوردند! زنگ خطر بعدی وقتی به صدا درخواهد آمد که البرز در میان دود و آلودگی سنگین ناپدید شود و امبولانس‌ها آژیرکشان بیماران تنفسی را به مراکز درمانی منتقل کنند. تا آن زمان می‌توان ماسک‌ها را کنار گذاشت.

### هزاران تن از مردم نفرت خویش را از جنایات رژیم اعلام داشتند

ادامه از صفحه اول

محمود دولت‌آبادی نویسنده نامدار ایرانی از حاضران خواست که آرامش و متانت خود را حفظ کنند تا بهانه‌ای به دست نبروید. نیرهای سرکوبگر داده نشود. جنازه محمد مختاری از مسجد النبی تا خوابگاه کوی دانشگاه بر دوش مردم حمل شد. پیشاپیش جمعیتی که خبرگزاری جمهوری اسلامی آن را بیش از ۳ هزار نفر و ناظران مستقل تا حدود ۸ هزار نفر برآورد کرده بودند، دسته گل بزرگی که از سوی کانون نویسندگان ایران فرستاده شده بود، حمل می‌شد.

در سراسر خوابگاه کوی دانشگاه، جسد محمد مختاری در آمبولانس قرار گرفت و دسته‌ها و شاخه‌های گل بود، قرار گرفت و به سمت مهرشهر کرج روانه گردید. بنا به گزارش‌ها، مردم که در روزهای اخیر از این سلسله جنایات و بی‌مهری‌ها نگران و خورده‌اند، در پیاده‌روی مسیر آمبولانس به احترام محمد مختاری بر جای می‌ماندند.

در گورستان، هوشنگ گلشیری سخنرانی کوتاهی ادا کرد و بر خواست کانون نویسندگان ایران برای آزادی تأکید کرد. پس از وی، خاتم مریم مختاری، همسر محمد مختاری، سخنانی ادا کرد و با صدایی پرطنین و میگفتی فرهنگ ما فرهنگ بی‌چرا است، اکنون نیستی که

بینی هزاران چرا، بر زبان‌ها جاری است. خانم مریم مختاری ضمن تشکر از نویسندگان و مردمی که در آیین خاکسپاری شرکت کرده بودند گفت: همان گونه که محمد مختاری می‌گفت، اندوهمان را به تفکر بدل خواهیم کرد.

روز چهارشنبه، مراسم دیگری به یاد محمد مختاری در مسجد ابن‌الحسن در تهران برگزار شد که در آن خانواده وی و گروه کثیری از نویسندگان و مردم حضور یافتند. در این مراسم حجت‌الاسلام حسن اشکوری و هوشنگ گلشیری سخنرانی کردند و یاد این قهرمان مردم را گرامی داشتند.

● مراسم به خاکسپاری محمدجعفر پوینده، نویسنده، مترجم و عضو فعال کانون نویسندگان ایران روز پنجشنبه از مسجد النبی خیابان کارگر شمالی و با شرکت چند هزار نفر از نویسندگان، روشنفکران، دانشجویان و سایر اقشار مردم برگزار گردید. این مراسم نیز تحت محاصره نیروهای امنیتی برگزار شد و مردم اجازه نیافتند بیش از چند صد متر پیکر بی‌جان محمدجعفر پوینده را همراهی کنند. در این مراسم نیز هزاران نفر با خود عهد کرده‌اند که راه آن‌ها را تا برقراری دموکراسی در ایران ادامه دهند.

● مراسم به خاکسپاری محمدجعفر پوینده، نویسنده، مترجم و عضو فعال کانون نویسندگان ایران روز پنجشنبه از مسجد النبی خیابان کارگر شمالی و با شرکت چند هزار نفر از نویسندگان، روشنفکران، دانشجویان و سایر اقشار مردم برگزار گردید. این مراسم نیز تحت محاصره نیروهای امنیتی برگزار شد و مردم اجازه نیافتند بیش از چند صد متر پیکر بی‌جان محمدجعفر پوینده را همراهی کنند. در این مراسم نیز هزاران نفر با خود عهد کرده‌اند که راه آن‌ها را تا برقراری دموکراسی در ایران ادامه دهند.

### از میان خمیرها...

#### فائو: «حق غذا» هم جزو حقوق بشر است!

سازمان خواربار و کشاورزی سازمان ملل متحد (فائو) در بیانیه‌ای که به مناسبت پنجاهمین سالگرد منشور جهانی حقوق بشر منتشر نمود، «حق غذا» برای بشر گرسنه را مورد تأکید دوباره قرار داد. در بیانیه فائو آمده است: هنوز هیچ کشوری وضع قوانین ملی خود را با صراحت با انجام این حق تطبیق نداده است و هیچ کشوری کار اساسی برای تحقق چنین تعهداتی که بتواند در قوانین ملی مدنظر باشد، انجام نداده است.

#### در روسیه مجسمه‌ها دوباره برپا می‌شوند

به رغم مخالفت شدید راست‌ها و «دموکرات‌های روسیه»، دومای این کشور، نصب مجدد مجسمه فلیکس دزورینسکی، نخستین رییس سازمان امنیت روسیه را، که در آن دوران چکا نامیده می‌شد، به تصویب رساند. رهبر گروه کشاورزان دوما که این پیشنهاد را ارایه داد، گفت: نصب مجدد این مجسمه می‌تواند نماد مبارزه با جنایت و جنایت‌کاران باشد که این روزها آزادانه در خیابان‌های مسکو و دیگر شهرهای روسیه گردش می‌کنند. مجسمه دزورینسکی در سال ۱۹۹۱ و در پی سقوط حکومت شوروی از مقابل ساختمان کا. گ. ب. پایین کشیده شد.

#### آخرین گروه خمرهای سرخ تسلیم شدند

آخرین گروه چریک‌های خمر سرخ روز شنبه ۵ دسامبر، طی مراسمی که مستقیماً از تلویزیون کامبوج پخش شد، خود را به دولت پنوم پن تسلیم کردند. یک روز پیش از این، خم نون، رهبر این گروه باقی مانده از خمرها، در گفت و گو با نمایندگان دولت کامبوج در مورد این تسلیم، به توافق رسید. او در سخنانی که از تلویزیون کامبوج پخش شد، گفت از دولت سلطنتی کامبوج خواسته است که به خمرهای سرخ اجازه پیوستن به جامعه و ارتش را بدهد. با تسلیم این گروه، ظاهراً به ۳۰ سال جنگ داخلی در کامبوج پایان داده شد. خمرهای سرخ مسئول کشتار دو میلیون نفر از مردم کامبوج معرفی شده‌اند.

#### حاملان پلارکاردها غش کردند

در مراسم گشایش بازی‌های آسیایی بانوکوف اتفاقات قابل توجهی بود که از جمله آن‌ها غش کردن چند تن از دختر خانم‌های حامل پلارکاردها کشورها بود. این دختر خانم‌ها همه از ملکه‌های زیبایی تایلند بودند و شش تن از آنان بر اساس گرمای هوا غش کردند. ماموران خانم‌های غش کرده را با برانکاردر از استادیوم خارج کردند. این اتفاق البته مانع از ادامه مراسم نشد، اما مسئولان استادیوم مجبور شدند بیای پی به تماشاچیان اطمینان بدهند، که همه آن‌ها سالم هستند.

#### خطری که یک میلیارد انسان را تهدید می‌کند

در همایشی که اخیراً در داکا پایتخت بنگلادش برگزار شد، بیش از ۵۰۰ نفر از نمایندگان سازمان‌های غیردولتی و نمایندگان ۱۹۰ کشور، نسبت به خطر بیابان‌زایی هشدار دادند. در این نمایش زبانه‌های مستقیم بیابان‌زایی را سالانه حدود ۴۲ میلیارد دلار ارزیابی کرد. بیابان‌زایی که موجب کاهش زمین‌های زراعی می‌شود، به افزایش فقر و از بین رفتن امنیت غذایی، به ویژه در افریقا منجر می‌گردد. کشورهای آفریقایی سالانه ۲۱۶ میلیون هکتار فضای سبز از دست می‌دهند.

#### نشانه تازه‌ای از نسل‌کشی سرخپوست‌ها

باستان‌شناسان آمریکایی، در یکی از گورستان‌های سرخپوست‌ها که به تازگی کشف شده است، با یک گور دسته‌جمعی مواجه شده‌اند که استخوان‌های ۲۰۰ سرخپوست در آن یافت شده است. این سرخپوستان با بی‌رحمی به قتل رسیده‌اند و از شواهد چنین پیداست که با عجله در این گور دفن شده‌اند. اکثر کشته‌شدگان فاقد یک یا چند عضو بوده‌اند. این قتل‌عام در ۲۰۰ سال پیش صورت گرفته است و در حال حاضر گروهی از باستان‌شناسان و کارآگاهان در حال تحقیق هستند تا به راز این کشتار بی‌رحمانه پی ببرند.

#### مونیکا در مصر هم هواداران زیادی دارد!

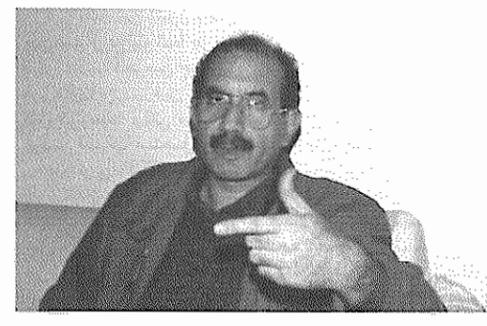
یک شرکت بسته‌بندی خرما در مصر، اخیراً خرماهای خود را با نام «مونیکا» روانه بازار کرده است. به نوشته روزنامه الاهرام چاپ قاهره، خرماي مونیکا که یادآور ماجراهای مونیکا لویسکی و پرزیدنت کلینتون است، در مصر با استقبال زیادی روبرو شده است. الاهرام این استقبال از خرماي مونیکا در مصر را نشانه جسارتی مردم مصر از مونیکا لویسکی و نارضایتی از پرزیدنت کلینتون ارزیابی کرده است.

#### یک میلیارد نفر در جهان بیسوادند

سازمان یونسف اعلام کرد حدود یک میلیارد از مردم جهان، که یک ششم کل جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، بی‌سواد است. دو سوم این بی‌سوادان از زنان تشکیل می‌دهند. بنابر این گزارش، ۴۰ درصد کودکان کشورهای درحال توسعه که در سنین دبستانی هستند، از آموزش‌های ابتدایی محرومند و در کشورهای پیشرفته نیز ۱۵ تا ۲۰ درصد بچه‌ها، مدارس را ترک می‌کنند.

#### با کمک‌های مالی خود ما را یاری کنید!

### «آه از نهاد عشق»



قبیله خونخوارگان چه کرد با فریختگان دلسوخته که باید اینک از «مرگ اهل قلم» گفت و نوشت تا «درد اهل قلم». تا «دکتر احمد تقی‌لی» بر بام شانده‌ها می‌رفت دستهای تابوت «امیر علایی» را از روبرو آورد. جایی که موج اشک «زال زاده» را بر خود می‌برد، چشمه چشمخانه از داغ «غفار حسینی» خشکید. سینه هنوز کوره داغی بود که داغ «مسجد شریف» به تمامی سوزانده‌ش.

دود بر می‌خواست از این سینه که «محمد مختاری» چون آبی از نهاد عشق برآمد... آه... آه...  
«دروازه‌های عمر»  
برگریه غارت گشاده است  
و آفتاب ایام  
از کوهسار وحش مکرر برآمده است  
کز دوزخ «آمدند کنندند و سوختند کشتند و» ماندند.  
«در نیمه‌های خاستگاههای پگاه»  
پلکهایش را بر هم می‌نهد،  
ناهد اب چهر.  
و شش هزار سنگ  
در شاخه‌های در هم البرز فرو می‌غلتد. ❖❖❖

پنجشنبه ۱۲ آذر از خانه بیرون می‌روم، به قصد خرید، خوجی بی بازگشت، همسرش مریم همراه با یاران و آشنايان هم دل همه جا را زیر پا می‌گذارد و به هر سو سر می‌زند. اما کمتر نشانی از او می‌یابند. دل در سینه‌اشان می‌طبد چرا که می‌دانند این محاق را مسکن است دیداری دیگر نباشد.

سیاهکاران بارها محمد مختاری را فرا خوانده‌اند، بازجویی نموده‌اند و تهدید، یاران دیگرش را نیز، آنان آزادی طلب کرده‌اند و در قاموس سیاه استبداد چه گانه‌ی بالاتر از این اما و دلاورانه و مصمم خورشید آزادی را تابان می‌خواهد و جانش را وسیله تحقق آن. سه شنبه ۱۷ آذر جسد بی‌جانش را در پزشکی قانونی تهران «سهراب» بگوید که پدر عاشق با گلولی کبود و پیکری مجروح اکنون امضایش بر پای بیابانی «ما نویسنده‌ایم» چون یارانی دیگر اعضایی خونین است.

محمد مختاری در سال ۱۳۲۱ در مشهد پای به جهان گذاشت. مادر مهربان وی را چون چهار خواهرش عزیز و گرامی می‌داشت. محمد از دانشگاه فردوسی مشهد در رشته ادبیات و علوم انسانی به درجه فوق لیسانس فارغ التحصیل شد و با سمت پژوهشگر به استخدام وزارت علوم و آموزش عالی درآمد قبل از آن سرپر شورش در زمانی که افسر وظیفه بود کارش را به زندانهای شاه کشید. چندی بافتاق «استاد مجتبی مینوی» همراه یورش «نعمت میرزا زاده» در بنیاد شاهنامه فعالیت داشت. آشنایی با اسطوره‌ها، اسطوره‌های ایران می‌کرد. با فعالیت در «کانون نویسندگان ایران» و در صدر آن تلاش‌گری جدی بود، در بحبوحه انقلاب دست در انتشار نشریه «اندیشه آزاد» کانون داشت. بعد از پیروزی انقلاب در حالی که دل با عاشقان عدالت خوش می‌داشت اما صرفاً دست و قلم در کار فرهنگی می‌زد. با نشریاتی چون آدینه، دنیای سخن و کلک ارتباطی توانمند داشت.

محمد مختاری میهن‌پرستی شوریده بود و ایران را بسیار دوست می‌داشت. بعد از تعطیلی «بنیاد شاهنامه» که نامش بی‌مایگان حاکم را خوش نیامده بود در مرکزی به نام «نشر فرهنگ» که در واقع همان «بنیاد شاهنامه» بود همراستاد «مجتبی مینوی» «داسان سیاوش» را به زپور طبع آراست. مختاری از این مرکز اخراج شد و این کتاب بعداً بدون اشاره به نام و اهتمام وی چاپ گردید.

محمد مختاری زمانی را به تلاش و کار پیگیر در «دائرة المعارف بزرگ فرهنگی» می‌پرداخت که با سعایت و کین‌توزی «علی موسوی گرمارودی» و با این نگاه که چپ، عدالت خواه و فریخته است به کارش خاتمه دادند. مختاری در جو سرکوب و ارباب افسار گسیخته سالهای ۶۰ و ۶۱ دستگیر شد و تا سال ۶۳ در بند آزادی‌کشان بی‌فرهنگ اسیر بود، محمد در زندان بود که مادر پیرش از فراق وی درگذشت.

محمد مختاری بسیار آزاده بود، این ادیب انسان دوست و فرهیخته سلامت طبع و شیوایی کلام خویش و اطلاعات ذی‌قیمت ادبی و فرهنگی خود را هرگز در خدمت جاه و رفاه و خویشن قرار نداد. سیندهام «محمود حکیمی» که با حوزه‌های آخوندی و مدارس مذهبی حشر و تشری داشت، بارها به وی مراجعه کرده و از وی جهت تدریس تاریخ ایران و خصوصاً اسطوره شناسی دعوت نمود که «بیا در این مراکز تدریس کن و هرصفاً اسطوره شناسی دعوت نمود ماهی صد هزار تومان! وسیله حمل و نقلات هم به عهده ما و تو فقط تدریس بنما» و پاسخ می‌گرفت که من با این محیطها خود را نمی‌توانم وفق بدهم و عذر می‌خواست با وجود تماسها و اصرار زیاد حکیمی و تنگنای شدید مالی مختاری هرگز به این امور راضی نگردید. زندگی مختاری سرشار از شور به انسان و شغفتگی به فرهنگ و معرفت بود او بسیار فروتن و صبور بود. مختاری همراه همسر و دو فرزندش با خرم‌مدلی و شادی می‌زیست. خانواده‌اش را مهربانانه پاس می‌داشت. وجودش امیزه‌ای از عشق جوشان، کار پرثمر و مهر به انسان بود. گاهی ادامه در صفحه ۵

### ایرانیان در خارج از کشور، با برگزاری ده‌ها تظاهرات...

کانون زندانیان سیاسی ایرانی و کمیته دفاع از آزادی و بیان و قلم در ایران، به مناسبت ده دسامبر، روز جهانی حقوق بشر و به یاد محمد مختاری، نویسنده و پژوهشگر ارزنده میهن‌مان در استکهلم یک تظاهرات علیه نقض حقوق بشر در ایران برپا کردند. در این تظاهرات چند صد نفر از ایرانیان مقیم این شهر شرکت کردند و توجه مردم سوئد را به نقض خشن حقوق بشر در ایران جلب نمودند. این تظاهرات انعکاس بسیار گسترده‌ای در رسانه‌های سوئدی یافت.

ادامه از صفحه اول

دهه گروه و سازمان چپ و دموکرات کشور، روزهای چهارشنبه و پنجشنبه گذشته، نمایندگان احزاب و سازمان‌های سیاسی و نهادهای دموکراتیک کشور و در استراسبورگ در برابر پارلمان اروپا تحصن کردند. نمایندگان این تحصن، با رهبران فئراسیون‌های سوسیال دموکرات، لیبرال و چپ پارلمان اروپا دیدار کرده و آنان را در جریان جنایات اخیر رژیم قرار دادند. به دنبال این دیدارها، پارلمان اروپا، با صدور قطعنامه‌ای موج تازه کشتارها در ایران را محکوم کرد. پارلمان اروپا در این قطعنامه تاسف عمیق خود را از موج تازه تعقیب و آزار دگراندیشان در ایران، به ویژه نویسندگان و روزنامه‌نگاران اعلام داشته و قتل‌های اخیر را محکوم کرده است. در این قطعنامه از رژیم جمهوری اسلامی خواسته شده است حقوق بشر را در ایران رعایت کند.

#### تخصن در ژنو

به دعوت کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، از سحرگاه روز دوشنبه ۲۱ دسامبر نمایندگان سازمان‌ها و احزاب سیاسی ایران در مقابل دفتر اروپایی سازمان ملل در ژنو دست به تحصن زدند. خواست مرکزی این تحصن، اعزام یک هیات بین‌المللی جهت بررسی پیرامون آدم‌ربایی‌ها و کشتارهای اخیر در ایران، می‌باشد.

#### اجتماع در برابر دادگاه لاهه

روز پنجشنبه ۱۷ دسامبر، پیش از هزار نفر از ایرانیان آزادی‌خواه در برابر دادگاه بین‌المللی لاهه در هلند گرد آمدند و علیه جمهوری اسلامی اعتراض کردند. در این گردهمایی، نمایندگان احزاب اپوزیسیون و نهادهای دموکراتیک در اروپا حضور داشتند. گروهی از نویسندگان ایرانی در تبعید در این

گردهمایی سخنرانی کردند. تظاهركندگانی که ده‌ها پلاکاردر دست حکومت جنایات اخیر در دست داشتند و علیه جمهوری اسلامی و تروریسم شعار می‌دادند، سپس از برابر دادگاه لاهه، تا مقابل پارلمان هلند راهپیمایی کردند.

#### تشکیل کمیته دفاع از جان نویسندگان در برلین

جمعی از ایرانیان آزادی‌خواه در برلین، اقدام به تشکیل کمیته‌ای به نام «کمیته دفاع از جان نویسندگان و آزادی‌خواهان» نموده‌اند. اولین اقدام این کمیته، برگزاری تجعی در برابر ساختمان حزب سوسیال دموکراتیک آلمان، واحد برلین، بود. تظاهركندگانی در این اجتماع از مطالبات نویسندگان ایرانی حمایت کردند. نمایندگان کمیته، با دبیر اجرایی سوسیال دموکرات‌های برلین دیدار کردند و از او خواستند مطالبات تظاهركندگانی را در مجلس عمومی به بحث بگذارد و مطبوعات را از نتایج حاصله مطلع سازد. دبیر اجرایی حزب سوسیال دموکرات در برلین ضمن ابراز همدردی با تظاهركندگانی قول رسیدگی به خواست‌های آنان را داد.

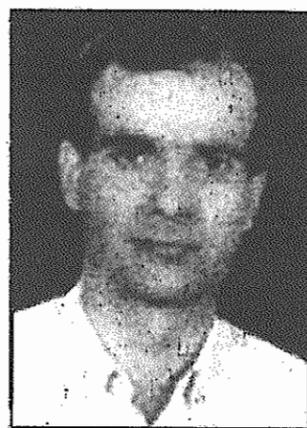
#### تظاهرات ایرانیان در لایپزیگ

شورای هماهنگی نهادهای دموکراتیک برلین نیز به همراه جمعی از فعالین سیاسی شهرهای برلین، هاننور و لایپزیگ در آلمان، با حضور در دوازدهمین کنفرانس سراسری حزب سبزه‌ها در لایپزیگ، از این کنفرانس خواستند جنایات رژیم اسلامی را محکوم کند. کنفرانس سراسری سبزه‌ها، قطعنامه‌ای را که از سوی ایرانیان آزادی‌خواه ارایه شده بود، با تغییراتی جزئی و با ۷۲ رأی به تصویب رساند و کشتار آزادی‌خواهان و نویسندگان ایرانی را محکوم کرد.

#### تظاهرات اعتراضی در استکهلم

کانون نویسندگان در تبعید،

### نامه سرگشاده نویسندگان به مردم ایران



### نویسنده‌ای که با خون خود «بیانیه آزادی» را امضاء کرد

محمدجعفر پوینده در سال ۱۳۳۳ در اشکذر یزد متولد شد و دارای مدرک لیسانس حقوق قضایی از دانشگاه تهران و فوق‌لیسانس جامعه‌شناسی، از دانشگاه سوربن فرانسه بود. عشق و علاقه عمیق محمدجعفر پوینده به آزادی و عدالت اجتماعی، او را به یکی از شخصیت‌های برجسته فرهنگی چپ ایران تبدیل کرد. پوینده با ترجمه‌ها و نیز نوشته‌های خود، کوشید که اندیشه چپ و دموکراتیک در کشور ما را غنای بیشتری بخشد و کسان بیشتری را به هواداری از این ایده‌های انسانی برانگیزد. به همت او بود که جامعه فرهنگی ایران با نوشته‌های نامدارانی هم‌چون میخائیل باختین، ماکارنکو، لوسین گلدمن، جرج لوکاک، ژان پیازو و بسیاری دیگر آشنایی بیشتر و گسترده‌تری پیدا کرد. جامعه‌شناسی و به ویژه جامعه‌شناسی هنر و نیز جنبه‌های گوناگون تعلیم و تربیت از جمله زمینه‌هایی بودند که پوینده در آن‌ها به ترجمه می‌پرداخت. وی علاوه بر انتشار این ترجمه‌ها، با مجلاتی همچون آدینه و جامعه سالم نیز همکاری پیگیر داشت و تک ترجمه‌ها و یا بخشی از ترجمه‌های بلند خود را در آن‌ها به چاپ می‌رساند. پوینده از مترجمان برجسته یونسکو بود و متن‌های قابل اعتنای لوموند دیپلماتیک را نیز ترجمه می‌کرد. یکی از ترجمه‌های جدید محمدجعفر پوینده (سال ۱۳۷۶)، کتابی است در باره شخصیت و اندیشه‌های لوسین گلدمن، جامعه‌شناس رومانیایی که بیشتر سال‌های عمر خود را در فرانسه گذراند و یکی از متفکرین به نام و از بسط‌دهندگان نگره‌های مارکسیستی بود. پوینده، ترجمه این کتاب را که «لوسین گلدمن» نام دارد به زنده‌یاد غفار حسینی تقدیم کرده است که از دو سال پیش به «مرگ مشکوک»، که اکنون دیگر روشن است، «مشکوک» نبوده است، درگذشت. اینک محمدجعفر پوینده هم به همان سرنوشتی دچار شده است، که غفار حسینی دچار شد.

پوینده در دوران فعالیت فرهنگی خود بیست اثر از فرانسه به فارسی ترجمه کرد که تاکنون ۱۷ تای آن‌ها انتشار یافته است. از جمله کتاب‌هایی که توسط پوینده به فارسی برگردانده شده است، می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد: پیر دختر نوشته انوره دوبالزاک؛ گویسک رباخوار نوشته انوره دوبالزاک؛ آموزش و تربیت کودکان نوشته آ. ماکارنکو؛ راه زندگی نوشته آ. ماکارنکو؛ جامعه‌شناسی ادبیات نوشته لوسین گلدمن؛ سوادای مکالمه، خنده، آزادی نوشته میخائیل باختین؛ جامعه‌شناسی رمان بالزاک، زولا، استاندال نوشته جورج لوکاک؛ جامعه، فرهنگ، ادبیات نوشته لوسین گلدمن؛ سبیده دمان فلسفه تاریخ بورژوازی نوشته ماکس هورکهایمر؛ اگر فرزند دختر دارید نوشته آنا جانینی بلوتی؛ درآمدی بر هگل نوشته ژاک دونت؛ بیکار یا تبعیض جنسی نوشته آندره میشل؛ مکتب بوداپست نوشته لوکاک و شاگردان او؛ سیاست ملی کتاب نوشته الوارو گارثوزن و درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات.

بازی سرنوشت چنین بود که آخرین ترجمه محمدجعفر پوینده به نام حقوق بشر، در آستانه پنجاهمین سالگرد انتشار اعلامیه جهانی حقوق بشر و هیزمان با قتل جنایت‌کارانه او توسط مأمورین رژیم جمهوری اسلامی منتشر گردد.

پوینده، علاوه بر ترجمه و نوشتن، از فعالان خستگی‌ناپذیر آزادی قلم و دموکراسی در ایران بود و برای احیای کانون نویسندگان ایران، دوش به دوش همکارانش رزمید و در این راه نیز جان خود را از دست داد. پوینده از زمره هفت نویسنده‌ای بود که چندی پیش کمیته تدارک و برگزاری مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران را بر عهده گرفتند. این کمیته در هیجدهم شهریور ماه گذشته، منشور پیشنهادی را در ده بند تهیه و منتشر نمودند. تهیه این منشور و تلاشی که پوینده در جهت احیای کانون نویسندگان ایران، پاسداری از حرمت قلم و برقراری آزادی بیان و نشر در ایران انجام داد، بی‌شک از عمده‌ترین عواملی بود که نام او را در لیست سیاه ترور جمهوری اسلامی قرار داد.

قاتلان او را در روز چهارشنبه گذشته ساعت یک بعدازظهر هنگامی که از محل کار خود راهی اتحادیه ناسران بود، ربودند. تلاش‌های همسر و فرزند وی و بستگان و دوستانش برای نجات جان این نویسنده آزادی‌خواه به جایی نرسید و همه مسئولین و مقامات حکومت مراجعات آنان را بی‌پاسخ گذاشته و از سرنوشت پوینده ابراز بی‌اطلاعی کردند.

تروریست‌ها یک روز بعد از ربودن پوینده، او را در روز پنجشنبه به قتل رساندند. جسد او تا روز شنبه بدون این‌که شناسایی شود در پزشکی قانونی باقی ماند. جنایتکاران مدارک شناسایی وی را ربوده بودند، اما انگشت‌نما و یکی دو نشانه دیگر از او برجای مانده بود. به گفته یکی از بستگان پوینده، ساعت ۱۰ شب روز شنبه ۲۲ آذر ماه به خانواده وی خبر دادند که جسدی پیدا شده است که با مشخصات پوینده مطابقت دارد. صبح روز یکشنبه همسر پوینده به پزشک قانونی مراجعه کرد و همسر خود را شناسایی کرد.

شرکت هزاران تن از مردم آزادی‌خواه ایران در مراسم تشییع جنازه او، پافشاری و تاکید نویسندگان ایرانی و هم‌زمان وی در جهت احیای کانون نویسندگان و برقراری آزادی‌های مشروع، و اعتراض‌های گسترده به جنایتی که او و دیگر آزادی‌خواهان ایرانی را به خون کشیده است، نشانگر آن است که راه پوینده پرهرو، پرهروتر از هر زمانی، است.

خاطره این نویسنده آزادی‌خواه را گرامی می‌داریم!

ادامه از صفحه اول  
نظم جامعه مدنی است. هنوز از فاجعه هولناک قتل داریوش فروهر و همسرش دیری نگذشته است که جسد محمد مختاری، نویسنده، شاعر، متفکر پس از ربوده شدن وی، در سردخانه پزشکی قانونی پیدا می‌شود. و هنوز نعش این شهید بر روی دست ما مانده است که خبردار می‌شویم محمدجعفر پوینده، نویسنده و مترجم ارجمند، ناپدید شده است. در این اواخر شاهد مرگ‌های مشکوک و قتل‌های فجیع بودیم. به اعتقاد ما، امواج خشمگین آفرین، در این روزها به عمد تدارک شده است. ضمن افشای این خشونت سازمان‌یافته و ابراز عدم امنیت جانی اهل قلم و اندیشه، خواستار پاسخ‌گویی صریح مقامات مسئول مملکت هستیم و اعلام می‌داریم در صورت وقوع اتفاقاتی از این دست، نهاد‌های قانونی از مسئولیت مشترک حفظ جان شهروندان، میرا نخواهند بود. از تمام کسانی که این موقعیت ضد آزادی و امنیت عمومی را بر سر نمی‌تابند، می‌خواهیم به این وحشت‌آفرینی خاتمه دهند.

نامه نویسندگان به رئیس جمهور  
ما نویسندگان، از شما به عنوان رئیس قوه مجریه و

ده‌ها تن از نویسندگان صاحب‌نام ایران، به دنبال نامه سرگشاده خود به رئیس جمهور، به دفتر او رفتیم و خواهان ملاقات با او شدیم. خاصی به جای پذیرش این درخواست و دیدار با نویسندگان کشور، مشاور سیاسی خود سعید حجاریان و احمد مسجدجامعی، معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را به دیدار آنان فرستاد. در این ملاقات سیمین بهبهانی، هوشنگ گلشیری، فریروز گوران، علی‌اشرف درویشیان، فرشته ساری، فریبرز رئیس‌دانا، کاظم کردوانی، محمد خلیلی، حکیمی و چنگیز پهلوان شرکت داشتند و خواهان تسامین امنیت نویسندگان ایرانی و تحقق آزادی بیان و نشر در ایران شدند.

رئیس جمهور توضیح نداده

تسامین‌کننده امنیت جسانی شهروندان مصرا می‌خواهیم که به هر نحو، به این وضعیت وهن‌آور خاتمه دهید  
جناب آقای خاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران! با احترام، نامه سرگشاده جمعی از نویسندگان ایران را، خطاب به هوطنان عزیز، تقدیم می‌داریم. چنانچه مستحضرد، در روزهای اخیر، در ادامه قتل‌های دیگر، محمد مختاری، به نحو فجیعی به قتل رسیده است و محمدجعفر پوینده نیز ربوده شده است که تا هم‌اکنون از سرنوشت او اطلاعی نداریم. ما نویسندگان، از شما به عنوان رئیس قوه مجریه و تسامین‌کننده امنیت جسانی شهروندان مصرا می‌خواهیم که به هر نحو، به این وضعیت وهن‌آور خاتمه دهید. در ضمن نویسندگان ایران خواستار آن هستیم که:

- ۱- امنیت کامل آنان برای فعالیت عادی و فرهنگی‌شان تامین شود.
- ۲- شرایطی فراهم گردد، تا نویسندگان بتوانند کانون نویسندگان ایران را به عنوان سازمان صنفی خود، به صورت علنی تشکیل دهند.
- ۳- عوامل قتل‌های این چند سال و به خصوص قتل‌های اخیر، هر چه سریع‌تر، شناسایی و محاکمه شوند و به مجازات

عبدالعلی عظیمی.  
است. آیا ترس از جناح مخالف بوده است که بگویند خاتمی با کسانی ملاقات کرده که آن نامه معروف «ما نویسندگان» را نوشته‌اند؟ آیا خودداری او از این ملاقات ناشی از کم‌اهمیت بودن ملاقات کنندگان بوده است، بی‌اهمیتی خواست‌های آنان بوده است؟ آیا خودداری از این دیدار به این دلیل بوده است که این نویسندگان «خودی» نبوده‌اند؟ آیا آقای خاتمی نتوانست این را دریابد که دیدار او با نویسندگان در این شرایط حساس، به معنای حمایت رئیس‌جمهور از برگزیدگان ادب و فرهنگ این کشور بود که امروز مورد تهاجم بی‌رحمانه تروریسم قرار گرفته‌اند؟ بی‌گمان بسیار کسان مایلند بدانند چرا رئیس‌جمهور این حمایت را دریغ داشت!

### آقای رئیس جمهور، وقت نداشتید؟

است به چه علت از دیدار با نویسندگان سرشناس کشور، آن هم در شرایطی که جان یک انسان در حساسیت قرار دارد، خودداری کرده است. رئیس‌جمهوری که آن قدر وقت دارد، سبزه سوار بر اتوبوس شرکت واحد شود، برای پاسخ به کودکان به این یا آن مدرسه رود، پای تلقن مستقیم یا مسردم بشنید، چرا وقت ندارد یا جمعی از نامی‌ترین نویسندگان کشور دیدار کند؟ بدون تردید خودداری آقای خاتمی از ملاقات با نویسندگان ایرانی به دلیل کمبود وقت نبوده

### حمایت نویسندگان فرانسوی

#### از نویسندگان ایران

به دنبال قتل چند نویسنده ایرانی توسط رژیم اسلامی، بیش از پنجاه تن از نویسندگان فرانسوی، شکایت‌نامه‌ای را در حمایت از همکاران ایرانی خود امضاء کرده و در آن از رئیس‌جمهور ایران خواست‌اند به این جنایات پایان دهند. نویسندگان فرانسوی نوشته‌اند:

«ما از رئیس‌جمهور خاتمی، صادقانه می‌خواهیم که جهت حفاظت از جان نویسندگان ایرانی که امروزه مورد تهدید قرار گرفته‌اند، تمامی اقدامات لازم را به کار گیرد. ما همه سازمان‌های نویسندگان جهان را به همبستگی با همکاران ایرانی خود فرا می‌خوانیم.»

در بین نویسندگان فرانسوی که این نامه را امضاء کرده‌اند، نام‌های زیر به چشم می‌خورد: ماری لوئیز اودیبرت، نواف شاتله، میشل دگی، دمیتریک دساتنی، کیز پولهان، برنارد پنگو و فرانسوا سالون.

### از زبان دیگران...

#### مختاری پژوهشگری نمونه

اواخر سال ۶۵، هنگامی که دانشجوی سال اول رشته ادبیات فارسی بودم یکی از استادان - که روحش شاد - مایه‌ای از علاقه در ما - من و یکی از دوستان - دیده بود و بدین سبب معرفی‌مان کرد به استادی که سال‌ها بود - و هست - در زمینه شاهنامه و سایر متون زبان فارسی پژوهش می‌کرد. آنجا نخستین بار بود که با محمد مختاری آشنا شدم. من اهل سیاست نیستم و با این وجه از شخصیت محمد مختاری آشنا نبوده‌ام. اما در عرصه علاقه در متون و پژوهش مختاری را یک نمونه عالی یافتیم. دانش عمیق او از اسطوره و نیز شاهنامه باعث می‌شد تا به پرسش‌های معمولی و متعارف ما، همواره پاسخ‌های تامل‌برانگیز و غیرمتعارف بدهد. او در امر تحقیق صبور بود و ساعت‌ها پشت میز کار خود، یادداشت‌ها و فیش‌های مربوط به متون مختلف را زیوروی می‌کرد تا نکته‌ای را روشن کند. آنچه اینجا می‌خواهم بدان اشاره کنم، سستی است که جامعه علمی - فرهنگی ما بر پژوهشگران اصیل روا می‌دارد. بعدها، موقعیت‌های بسیاری برای من پیش آمد تا از محضر اساتید سرشناس و نیز آنان که پای ثابت همه همایش‌ها و نشست‌های داخل و خارج کشور هستند، استفاده کنم. همچنین موقعیت‌هایی پیش آمد که در دانشگاه شاهنامه درس بدهم. بدون تردید می‌توانم بگویم، که بسیاری از این اساتید سرشناس شایسته تلمذ نزد محمد مختاری بودند. روزگار نامراد و فرصت‌طلبی بی‌وجهه - که در میان همه اقشار ما جاری است - و نیز برخی مسائل سیاسی و اجتماعی باعث شده است تا ما قدر پژوهشگران درجه اول خود را ندانیم. از چند و چون مرگ این پژوهشگر - که اتفاقا به لحاظ سیاسی دگراندیش محسوب می‌شد - هنوز اطلاعات دقیقی در دست نیست. اما برخلاف آنان که تکرار برخی حوادث اینچنین را مهم تلقی نمی‌کنند و آنها را منفردا مورد بررسی قرار می‌دهند و طرح مسأله را به اشکال دیگر مایه تضعیف خود می‌دانند، جامعه فرهنگی و علمی کشور، بسیار نگران است. لازم است اطلاعات کافی در اختیار عموم مردم گذاشته شود و علاوه بر اقدامات امنیتی لازم، هشداری لازم به مردم داده شود.

علی خوانساری  
روزنامه همشهری، ۲۲ آذر ماه ۱۳۷۷

### «آه از نهاد عشق»

ادامه از صفحه ۴  
که گلایه‌وار و دل‌غمین از دست تنگی شکوه می‌نمود و ادراک و احساس و عاطفه‌اش را از داشتن غم نان بازگو می‌کرد، همسرش قوت قلب و روح او می‌شد که: «محمد ذکر نان مکن که تو برای ما نام آوردی!!»

علاوه بر مقالات و آثاری که محمد مختاری در نشریات مختلف قلمی کرده است، آثار زیر برخی از خدمات فرهنگی و ادبی این پرمایه ادیب فرهیخته‌اند:

شعر، ۵۷، برشانه فلات، قصیده‌های هاوید، ۵۰ سال عاشقانه (توقیف) منظومه‌های ایرانی، در وهم سندیاد، سحابی خاکستری، خیابان بزرگ و آرایش درونی

تحقیق:  
اسطوره در رمز و راز ملی، اسطوره زال، انسان در شعر معاصر، تمرین مدارا (تقدی بر فرهنگ و ادبیات) و برگ گفت و شنید که حاصل جمع بند بحث‌های وی در سفر اخیرش به کانادا است.

محمد مختاری ادیبی نام‌آور بود، دلاورانه و شریف جان بر سر پیمان خویش با آزادی گذاشت و نام پرافتخارش در یاد و ذهن همه گوشتندگان راه دمکراسی و آزادی و تعالی ایران ماندگار خواهد ماند.

خسرو باقرپور، ۲۲ آذر ۷۷

\* از فصل هزاره‌های البرز در شعر بلند، منظومه ایرانی محمد مختاری

### مهاجرانی: کانون نویسندگان می‌تواند

#### در چارچوب قانون فعالیت کند

عطاءالله مهاجرانی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در واکنشی غیرمستقیم نسبت به نامه سرگشاده نویسندگان کشور به خاتمی، که طی آن خواستار فعالیت رسمی کانون نویسندگان ایران شده بودند، اعلام کرد:

تاکنون کانون نویسندگان از ما تقاضای مجوز نکرده است اما ما از این فعالیت‌ها استقبال می‌کنیم و امیدواریم این کانون اساسنامه خود را به وزارت ارشاد بدهد تا در چارچوب قانون به فعالیت بپردازد.

پیام‌های خود برای «گاره» را می‌توانید از طریق شماره تلفن ۰۰۴۹-۲۲۱-۹۲۲۲۱۳۶ برای ما ارسال دارید!

**بیست و هشت سال بیکار فدا بیان خلق**  
**در راه صلح، آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم**  
**راگرامی بداریم**

شروع برنامه از ساعت ۱۶  
تصرف و گفتگو با جمعی از رهبران سازمان  
آهنگساز و هنرمند برجسته ایران  
اسفندیار منفردزاده

برنامه‌های متنوع جشن از ساعت ۱۳  
نادر  
با همراهی گروه کلانک  
و جبهه  
خواننده مشهور افغانستان  
خواننده تیرانه‌های آذری و کردی  
پخش فیلم به مناسبت بیست و هشت سالگرد انقلاب بهمین

مکان: آلمان  
زمان: شنبه ۲۴ بهمن (۱۳ فوریه)  
ورودی: بزرگسالان ۲۵ یارگ  
نوجوانان ۱۵ یارگ  
ستاد برگزاری جشن مرکزی سازمان فدا بیان خلق ایران (اکتوت)

Bonn - Beuel  
Brücken Forum  
Friedrich - Breuer str. 17  
53225 Bonn

## تیم ملی فوتبال ایران، قهرمان سیزدهمین دوره بازیهای آسیایی شد



تیم کشتی آزاد ایران، دومین گروه ورزشی ایران بود که در این مسابقات موفق شد مقام قهرمانی آسیا را به دست بیاورد. این عنوان برای تیم ایران، که چندین بار پیش از آن عنوان قهرمانی جهان را به دست آورده، قابل پیش‌بینی بود. در سیزدهمین دوره بازیهای آسیایی کشتی‌گیران ایران در چهار وزن از هشت وزن مسابقات به مدال طلا دست یافتند. امیر توستیکیان (۶۹ کیلوگرم)، علیرضا حیدری (۸۵ کیلوگرم)، عباس جدیدی (۹۷ کیلوگرم) و علیرضا رضایی (۱۳۰ کیلوگرم) کشتی‌گیران طلایی ایران بودند. در وزن ۵۴ کیلوگرم بهنام طیبی مدال نقره گرفت و محمد طلایی در ۵۸ کیلوگرم در سکوی سوم ایستاد. بانوان ورزشکار ایران در سیزدهمین دوره بازیهای آسیایی به هیچ عنوانی دست نیافتند.

خبره‌کننده چهار بر صفر در برابر ازبکستان، مدافع عنوان قهرمانی و یکی از تیم‌های مدعی این مسابقات، نشان دادند که از بهترین تیم‌های آسیا هستند. علی موسوی یک گل و علی دایی سه گل به ثمر رساندند. در نیمه نهایی ایران بار دیگر در برابر چین قرار گرفت و با تک گل علی موسوی به پیروزی رسید.

تیم کشتی آزاد ایران هم قهرمان آسیا شد

راه ایران تا فینال تیم ایران در گروه هشتم مقدماتی مسابقات با دو پیروزی دو بر صفر در برابر ترکمنستان و ۶ بر یک در برابر لائوس به عنوان تیم اول گروه خود راهی دور بعدی شد. در گروه سوم دور دوم این مسابقات، ایران در نخستین مسابقه در میان ناپاوری همگان با نتیجه ۴ بر ۲ مقابل تیم عمان، که «وی‌یرا» همان مربی که ایران را به مسابقات جهانی فرانسه برد رهبری آن را رهبری می‌کرد، شکست خورد. پیرامون مسایلی که پیش از این شکست در اردوی تیم ملی ایران گذشت، روزنامه‌ها، تنها به اشاراتی بسنده کردند. در این مسابقه علی دایی و وحید هاشمیان برای ایران گل زدند. در دومین مسابقه تیم ایران با پیروزی ۵ بر صفر در برابر تاجیکستان، زخم‌های ناشی از شکست از عمان را تا حدودی جبران کرد. در این مسابقه علی دایی دو گل به ثمر رساند و کریم باقری، محمد خاک‌پور و علی موسوی دیگر گل‌های ایران را به دست آوردند. در آخرین دیدار در برابر چین، ایران بعد از دو گل در یک بازی نخستین گل با دو گل کریم باقری و علی دایی دو بر یک به پیروزی رسید و به عنوان تیم دوم گروه خود به مسابقات یک چهارم رسید. در این مرحله فووتبال‌تیم‌های ایران با پیروزی

روز شنبه گذشته، تیم ملی فوتبال ایران در دیدار پایانی سیزدهمین دوره بازیهای آسیایی در تایلند، در برابر تیم ملی فوتبال کویت قرار گرفت و با پیروزی دو بر صفر در برابر این تیم، برای سومین بار عنوان قهرمانی این مسابقات را به دست آورد. تیم ملی فوتبال ایران پیش از این در بازیهای آسیایی تهران در سال ۱۹۷۴ و پکن در سال ۱۹۹۰ نیز قهرمان بازیهای آسیایی شده بود. تیم ایران با این بازیکنان، در آخرین بازی ظاهر شد: بهزاد غلامپور، جواد زرینچه، نادر محمدخانی (کاپیتان)، ستار همدانی، مهدی مهدوی‌کیا، علی کریمی، کریم باقری، داریوش یزدانی، حمید استیلی، علی دایی و علی موسوی. در نیمه دوم این مسابقه، محمود فکری به جای علی موسوی و علیرضا منصوریان به جای کریم باقری وارد بازی شدند و داور تایلندی مسابقه مهدوی‌کیا را به دلیل یک حرکت خطا از بازی اخراج کرد. نخستین گل ایران را به دنبال یک ضربه کرنر، علی کریمی مدافع - هافبک چپ ایران در دقیقه پنجم بازی وارد دروازه کویت کرد و دومین گل توسط کریم باقری در دقیقه ۲۵ مسابقه به دست آمد.

## بزرگداشت مختومقلی فراغی شاعر بزرگ ترکمن



مختومقلی فراغی، نه فقط شاعر ملی خلق ترکمن، بلکه پیمای ملی این خلق است. ترکمن‌ها در نام و شعر مختومقلی خود را می‌یابند و برای ابراز هویت ملی خود از نام و یاد او یاری می‌گیرند. امسال در بزرگداشت دویست و شصت و پنجمین سالروز تولد این شاعر بزرگ ترکمن، مراسم مختلفی در ایران و خارج از ایران برپا بود. مراسم بزرگداشت، در روستای آق‌توتای شهرستان مینودشت با حضور جمعیت انبوهی که از تمامی نقاط ترکمن‌صحرا خود را به آرامگاه شاعر رسانده بودند، برگزار شد. در این مراسم، استاندار گلستان، و هم‌چنین رئیس هیات نمایندگان جمهوری ترکمنستان در تجلیل از مقام شاعر ملی ترکمن‌ها، سخنرانی کردند. آن‌گاه شاعران مهمان ایرانی اشعاری را که در وصف مختومقلی فراغی سروده بودند، خواندند و گروهی از بخشی‌های ترکمن، ترانه‌هایی را که بر روی اشعار مختومقلی ساخته شده است، اجرا کردند. مراسم بزرگداشت شاعر تولد شاعر ملی ترکمن، مراسمی هم در شهر کلن آلمان برگزار شد. در این مراسم، جمع زیادی از دست‌آوردان شاعر ملی ترکمن شرکت داشتند. در این مراسم، تعدادی از صاحب‌نظران و شخصیت‌های ترکمن پیرامون اشعار مختومقلی و جایگاه وی در ادبیات و هویت ترکمن‌ها سخنرانی کردند.

## ۲۱ آذر و اشتراکات!

سلطنت‌طلبان، آن زمان که در اریکه قدرت بودند، چند روز از سال را به تفصیل جشن می‌گرفتند و هیاهوی بسیار به راه می‌انداختند. چهارم آبان را به تبرک زادروز پدر تاجدار، نهم آبان را به میمنت توارث پهلوی‌ها، ۲۸ مرداد را به عنوان «قیام ملی مردم» برای جلوس مجدد محمدرضا شاه بر تخت پادشاهی و ۲۱ آذر را هم به نشانه پاسداری از تمامیت ارضی ایران! البته آن‌ها در ۱۴ مرداد - روز مشروطیت - و ۲۹ اسفند - روز ملی شدن نفت - هم گندم‌نمایان چو فروش می‌شدند تا مبادا ملت بگوید که مشروطیت را زیر پا له کرده‌اند و در برابر کنسرسیوم نفت، تسلیم شده‌اند! اما از زمانی که قدرت را از دست داده‌اند، وضع جز در مورد ۲۱ آذر، تغییر کرده است. چهارم آبان را فقط خانم فرح پهلوی و آقای رضا پهلوی و دیگر اعضا و ندیمان و نزدیکان آنان جشن می‌گیرند، نهم آبان نیز با چند تبریک جان‌نثاران سپری می‌شود، ۲۸ مرداد کاملاً به سکوت می‌گذرد و فقط خانم اشرف پهلوی است که هنوز به آن رسماً افتخار می‌کند! تنها در باره ۱۴ مرداد است که می‌توان امیدوار بود عده‌ای از سلطنت‌خواهان پهلوی، به مشروطیت دل بستگی‌هایی، نه از سر نمایش و تظاهر، پیدا کرده باشند. در مورد ۲۱ آذر، اما وضع همانست که بود و حتی در جهاتی غریب‌تر شده و به نوعی عکس‌مقلوب شده است. حتی آن بخش از جریانات طرف‌دار سلطنت پهلوی که خود را مشروطه‌خواه می‌دانند، ۲۱ آذر را با حرارت بیشتری جشن می‌گیرند. ایدئولوگ‌هایی چون شجاع‌الدین شفا و امرای هنوز زنده ارتش شاهنشاهی که جای خود دارند. اما در این طرف، یعنی در داخل کشور و از سوی نیروهای جمهوری اسلامی، ۲۱ آذر همان ۲۱ آذر سلطنت‌طلبان است. آخرین نمونه آن، سرمقاله روزنامه «ایران» ارگان نیمه‌رسمی دولت است. برخی واژه‌ها را در این مقاله تغییر بدیدید تا به اشتباه پیشیند که گویا این مقاله در سیستم سلطنت‌طلبان ساخته و پرداخته شده است. این تشابه از کجاست؟ جز این است که بین سلطنت‌طلبان و طیف‌های متعلق به جمهوری اسلامی، در برخورد با چپ ایران، انطباق، یا دست‌کم هم‌سوایی‌های اساسی وجود دارد؛ در میان سلطنت‌طلبان و نیروهای اسلامی تا به امروز ما نمونه‌های سراغ نداریم که به پدیده تاریخی ۲۱ آذر، با نگاهی تازه بنگرند. ۲۱ آذر را باید هم در وجه آغازین آن در سال ۱۳۲۴ دید و هم در نتایج پایانی آن در سال ۱۳۲۵. در این یک سال، نیروهایی در آذربایجان ایران قدرت منتهی‌القدر پیدا کردند که هسته اصلی در آنان، از یک سو ترقی‌خواهی زمان خود و عدالت‌خواهی برای مردم بود و از سوی دیگر نیز، بنا به دیدگاه عقیدتی این نیروها، و هم تحت تاثیر شرایط پس از پیروزی شوروی بر فاشیسم هیتلری، تمایل و وابستگی به شوروی وجود داشت. جنبش ۲۱ آذر، در وجه اول و دورنی آن، جنبشی بود مردمی، ترقی‌خواه و عدالت‌جو. ولی در وجه دوم و مرتبط با آذربایجان شوروی و مسکو، متأسفانه دارای انحراف. این جنبش سرانجام نیز قربانی همین انحراف شد. آن‌گاه که استالین تصمیم گرفت آذربایجان ایران را که بر اثر مداخلات و فضولی‌های باقراوف و عوامل محلی او تا حد فلیچ رسیده بود، به یک‌باره رها کند تا شاه و ارتش شاهنشاهی ناجی آذربایجان قلمداد گردند. مخالفان رنگارنگ ۲۱ آذر، هیچ سخنی از این نمی‌گویند که نخستین الگوی جدی از شکل‌های دهقانی و خلق مالکیت از بزرگ مالکان در آذربایجان بنا نهاده شد، سند پیکار کارگری در برابر کارفرمایان قدرقدرت در آن‌جا برپا شد، شوراهای محلی در آن‌جا نطفه بست، فرهنگ ملی و زبان ملی در مدت کوتاهی شکوفا گشت و در فرهنگ‌کنده‌ها و مدارس خود را به نمایش گذارد. دومین دانشگاه ایران در تبریز ایجاد شد و در عرض چند ماه به اندازه چند سال کارهای عمرانی صورت گرفت. این همه تحت حاکمیت قدرتی بود که هسته اصلی آن، یادگار جنبش‌های جنگل، شیخ محمد خیابانی و مبارزات دوران بیست ساله رضا شاه بوده و رسالت خود را در گسترش جنبش ترقی‌خواهی و عدالت‌جویی به سراسر ایران در تقویت جبهه مردم در برابر ارتجاع حاکم بر کشور می‌دانست. ۲۱ آذر دو جنبه متناقض داشت. این واقعیت است، اما دروغ بزرگ آن است که در جنبه انحرافی و وابسته آن، که متأسفانه بخشی از چپ ایران هنوز هم در باره آن سکوت می‌کند و هم از این طریق هیزم به تئور مخالفان ۲۱ آذر می‌اندازد، چنان اغراق‌هایی صورت می‌گیرد که دروغ شاه در فقدان شاه، همچنان به خورد نسل جوان داده می‌شود که: ۲۱ آذر توطئه‌ای برای تجزیه ایران بود و مقصد، الحاق آذربایجان ایران به آن سوی ارس!

## پس از پایان جلسه پرسش و پاسخ با خاتمی

### هزاران دانشجو با شعار

### انحلال مجلس و دورد بر مصدق راهپیمایی کردند

هم گفت که این ضدانقلاب را بساید کشت، خب می‌کشند. رییس‌جمهور در پاسخ به پرسش مربوط به نظارت استصوابی گفت: ما به قاعده بازی تن داده‌ایم، بعد نظر ما نظارت استصوابی درست نیست و لایحه رد نظارت استصوابی را نیز داده‌ایم.

حمله عسکروالادی به خاتمی در میان واکنش‌هایی که نسبت به پرسش و پاسخ دانشجویان با خاتمی صورت گرفت، واکنش عسکروالادی، رهبر جمعیت موفقیه اسلامی، قابل توجه بود. عسکروالادی برای نخستین بار خاتمی را به طور علنی مورد انتقاد قرار داد و با اشاره به بحث خاتمی در مورد فاشیسم و لیبرالیسم گفت: پناه بردن به همرش تا آخر جلو خواهیم رفت و با هیچ فردی رودرپایستی نداریم. وی افزود: دست‌هایی در خارج هستند که می‌خواهند ایران اسلامی را ناسان نشان دهند و حتی ممکن است کسانی نیز در داخل از روی حماقت مرتکب این جنایت شده باشند. فضای جامعه ما فضای سالمی نیست، مخالف به خود اجازه می‌دهد هر انگی را به طرف مقابل خود بزند، وقتی یک نفر را قبول نداشته باشیم از او ضد انقلاب، سلطنت‌طلب، فاسد، غرب‌گرا، رییس‌جمهور آرام آرام دارد شمیر را از رو می‌بندد.

## میراث خواری!

روزنامه جمهوری اسلامی بالاخره تحمل خود را از دست داد و از آن جا که توانست واقعه تاریخی ۱۶ آذر را که با شهادت ۳ دانشجوی چپ و ملی شکل گرفت از صفحه روزگار محو کند، مدعی شد این ۳ دانشجو «مسلمان» بوده‌اند! روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: «اگرچه جنبش‌ها و گروه‌های کمونیستی برای سال‌ها به تبلیغات و جوسازی پرداختند تا این ۳ دانشجوی مسلمان را به خودشان منتسب کنند و چنین وانمود سازند که گویا ۱۶ آذر، یک سمبل چپ‌گرایی در ایران است لکن مرور زمان، همه آن تبلیغات نادرست و پوچ را خنثی کرد و نیروهای انقلابی مسلمان توانستند این افتخار بزرگ خود را بر تارک دانشگاه برای همیشه به نمایش درآورند و نشان دهند که حتی در آن روزهای پرتلاطم هم، این اعتراض برجسته و نمادین علیه سلطه جهانی آمریکا بر این سرزمین، با نام و خاطر ۳ شهید مسلمان و انقلابی در سینه تاریخ به ثبت رسیده است!»

روز ۱۶ آذر، هزاران نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تهران با اجتماع در دانشگاه صنعتی شریف، جلسه پرسش و پاسخ با رییس‌جمهور را به صحنه نمایش خشم و نفرت مردم ایران از قتل‌های سیاسی تبدیل کردند. در دانشگاه شریف هزاران دانشجو با پرچم سه رنگ ایران بدون نشان جمهوری اسلامی، و سر دادن شعار «مرگ بر استبداد»، «مجلس فرمایشی، انحلال، انحلال!» و «مصدق، مصدق، راحت ادامه دارد!» به خاتمی گشودند که از کدام رییس‌جمهوری حمایت می‌کنند. در این همایش که با سخنرانی خاتمی آغاز شد، دانشجویان در فرصت محدودی که در اختیار داشتند، توانستند تنها چند پرسش مطرح سازند. در همین پرسش‌های محدود، آنان نشان دادند که از عملکرد خاتمی ناراضی‌اند و میان او با دانشجویان، از دوم خرداد به بعد فاصله بیشتر شده است. عمده سوالات دانشجویان در باره سکوت خاتمی در برابر کارشکنی‌های جناح مخالف، مدارا با خودسری‌ها و برخوردی خشن‌تر است. گروه‌های فشار، عدم استنادی در برابر مصوبات مجلس، استیضاح وزیران، تعطیلی پی در پی روزنامه‌ها و فشار فزاینده بر مطبوعات، نظارت استصوابی شورای نگهبان، عدم پیگیری برنامه‌های انتخاباتی و قتل داریوش فروهر و پروانه اسکندری بود.

خاتمی در سخنرانی خود با اشاره تحریف شده به تاریخچه جنبش دانشجویی، به بحث غرب‌زدگی و آشفتگی فکری در جمهوری اسلامی پرداخت و گفت: همان‌طور که غرب‌زدگی بد است، ضدیت با لیبرالیسم نیز به نوعی فاشیسم تبدیل می‌شود. وی افزود: غصب دارای یک پیش‌فلسفی و منش عاطفی است که در رسانس تجلی یافت. از غرب مکاتب کاپیتالیسم،

## سال آینده، سال «صرفه‌جویی ملی» خواهد بود

مجلس پیشنهاد ۱۰۵ تن از نمایندگان در مورد یک فوریت طرح «صرفه‌جویی ملی» را به تصویب رساند. کامران نماینده اصفهان، در مورد این طرح گفت: با توجه به این که دین مبین اسلام بر صرفه‌جویی و قناعت توجه خاصی دارد، برای همیاری با مردم طرح صرفه‌جویی ملی تقدیم مجلس شد تا در لایحه بودجه سال آینده لحاظ شود. به گفته وی کاهش هزینه سفرهای خارجی کارکنان، متمرکز شدن نشریات دولتی و وزارت‌خانه‌ها که اخبار مشابه دارند، کاهش هزینه‌های سفارت‌خانه‌ها، قطع ارز ماموریتی مقام‌های کشور از مفاد این طرح است.

## مبارزه علیه ترور را گسترش دهیم!

ادامه از صفحه اول

موجه است. در مورد بوسنی و هرزگوین، از هم‌اکنون جنایات جنگی در دادگاه لاهه مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند. باید به افکار عمومی جهان بگوییم حقوق بشر و مهم‌تر از همه، حق حیات ایرانیان، تنها مسئله داخلی ایران نیست و به همه جهانیان مربوط می‌شود. در داخل ایران، خواست معرفی و مجازات قاتلین و دگرگونی در ساختار انتظامی - امنیتی - قضایی جمهوری اسلامی وسیعاً مطرح شده است. ما می‌دانیم هر تحول کارسازی، تنها با خلع ید از ولایت فقیه امکان‌پذیر است. اما مبارزه برای این خواست‌ها نیز اهمیت دارد، چرا که با انگشت گذاشتن بر یک موضوع ملموس برای همه، یعنی همین بی‌کیفر ماندن هولناک‌ترین جنایات، یعنی قتل، می‌توان این باور عمومی را تثبیت کرد که ارکان‌های انتظامی، امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی نه در خدمت امنیت عدالت، که در خدمت تحکیم قدرت حاکمان و سرکوب هر صدای مخالفند. خواست‌هایی در این عرصه، بسته به دوری و نزدیکی طرح‌کنندگان آن به حکومت، از برکناری وزیر اطلاعات تا انحلال این وزارتخانه، از برکناری یزدی رئیس قوه قضاییه تا لغو فرمانروایی ولایت فقیه بر قوه قضاییه را در بر می‌گیرند. بدیهی است که ما به عنوان اپوزیسیون حکومت، از رادیکال‌ترین خواست‌ها حمایت می‌کنیم. اما خواست‌هایی که تا حد مطالبات ما فراتر روند نیز اگر در جهت این خواست‌ها باشند مورد حمایت ما قرار می‌گیرند. ما از تظاهراتی که در آن دانشجویان خواستار برکناری ذری نجف‌آبادی و یزدی می‌شوند حمایت می‌کنیم. از خواست اصلاحات ساختاری در دستگاه انتظامی و امنیتی که توسط مجاهدین انقلاب اسلامی مطرح شده حمایت می‌کنیم و بر آن می‌افزاییم این امر جز با نقو حکمرانی ولایت فقیه بر این نهاد میسر نیست. ما از خاتمی که در جمع دانشجویان به طور غیر مستقیم به تهدیدات رحیم صفوی حمله کرد می‌خواهیم صریح‌تر بگوید منظور او کیست و چیست. ما از اینکه خاتمی می‌گوید «یک احققی هم پیدا می‌شود و می‌کشد» انتقاد می‌کنیم و به همه نشان می‌دهیم کسی که به جنایتکاران تنها لقب آحمق می‌دهد هنوز با سرمشقا حساس پیوستگی می‌کند. گناه دشمن‌بدستان، نه حماقت، که جنایت و سرسپردگی به سرکردگان جنایت است. ابعاد اعتراض و انزجار عمومی به جنایات اخیر به حدی بوده است که خامنه‌ای و رفسنجانی به تبعیت از آنان، ده‌ها مقام ریز و درشت جمهوری اسلامی رذیلانه ادعا می‌کنند قتل‌های اخیر کار دشمنان جمهوری اسلامی است. ما در پاسخ این ادعاها از خامنه‌ای می‌پرسیم اگر چنین است، چرا در همان سخنرانی برای یاران قربانیان این جنایات خط و نشان می‌کشد؟ ما از افکار عمومی جهان می‌پرسیم چرا در برابر اتهامات بی‌اساس خامنه‌ای علیه دولت‌های خارجی، واکنش نشان نمی‌دهند؟ ما از فرصتی که منعطف شدن توجه‌ها به نقض حقوق بشر در ایران ایجاد می‌کند، برای طرح سرنوشت زندانیان سیاسی و «ناپدیدشدگان» در جمهوری اسلامی بهره می‌گیریم و در حد امکانات خود نخواهیم گذاشت سرنوشت علی توسلی‌ها، امیرانتظام‌ها و دوانی‌ها به فراموشی سپرده شود. کوتاه سخن، محور فعالیت‌های نیروهای دمکراتیک ایرانی در شرایط کنونی باید مبارزه علیه تروریسم دولتی جمهوری اسلامی باشد. اگر بخواهیم توطئه‌ها را عقیم بگذاریم، چاره‌ای جز گسترش هر چه بیشتر مبارزه علیه ترور در داخل و خارج از کشور نیست.







پاسخ به نامه‌ها

**دوست عزیز، احمد بهروان.** از ارسال مقاله «بیانیه تحلیلی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» پیرامون مسایل افغانستان، که برای درج در «کار» فرستاده‌اید، تشکر می‌کنیم. متأسفانه صفحات اندک نشریه ما، به زحمت گنجایش درج این گونه مقالات و بیانیه‌ها را دارد و ما می‌کوشیم در زمان خود، خلاصه‌ای از مواضع نیروهای سیاسی، از جمله وابسته به حکومت را، به آگاهی خوانندگان خود برسانیم. در زمانی که بحران روابط بین جمهوری اسلامی و طالبان شدت گرفته بود، مقالاتی در این جهت منتشر کردیم و به مواضع جناح‌های گوناگون حکومت نیز اشاره کردیم. به مواضع سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیز اشاراتی داشتیم و از این نظر انتشار بیانیه تحلیلی آن‌ها در این باره که بسیار هم طولانی است، را ضروری نمی‌دانیم. در انتظار نامه‌های بعدی شما هستیم.

**یک خواننده پراچاساس** به نام **آقای علی انصاری زاده** در نامه‌ای خطاب به ما نوشته‌اند: «چند روز پیش در بیمارستان، یکی از دوستان به دیدن من آمد و نوشته‌های شما را در اختیارم قرار داد و برای اولین بار نوشته‌های شما را مطالعه کردم. تصمیم گرفتم از طریق شما سخنانی را بیان دارم». از این که این دوست عزیز «کار» را برای بیان نظرات خود مناسب دانسته‌اند، خوشحالم و امیدوارم که در آینده شاهد نامه‌های بیشتر و قابل‌استفاده‌تری از این خواننده تازه خود باشیم. آقای علی انصاری زاده دو نامه، یکی در مورد ترور لاجوردی و یکی هم در مورد فتوای قتل سلمان رشدی برای ما ارسال کرده‌اند. در نامه نخست، با اشاره به سخنان رئیس‌جمهور در تجلیل از لاجوردی آمده است: «شما که با تبلیغات خود به جوانان حمله کرده و جان آنان را برای بقا خود گرفتید و باز هم با رای همین جوانان تریبون ریاست جمهوری را دو دستی چسبیدید، باید هم از فردی خون آشام مانند سرباز سخت‌کوش و خدمت‌گزار انقلاب یاد کنید، اما چرا دیگر خدمت‌گزار به ملت؟ اگر اسدالله لاجوردی برای شما خدمت‌گزار انقلاب بوده، باید به شما رئیس‌جمهور تبریک گفت که ده‌ها نفر امثال لاجوردی دارید و تا این چنین سربازانی دارید، ملت ایران ستم خواهند دید».

**آقای محمد مسعود پور** مترجم کتاب «کتاب راهنما در باره حقوق حیوانات»، ضمن ارسال یک چلد از کتاب خود برای دفتر «کار»، خواستار معرفی این کتاب شده‌اند. در نامه آقای مسعود پور آمده است: این کتاب در داخل ایران چاپ و منتشر شده است. در ایران چند کتاب‌فروشی آن را دارند، مثلاً می‌توان آن را از کتاب‌فروشی سپهر در تهران در مقابل دانشگاه خردیاری کرد. آقای مسعود پور نوشته‌اند: «به امید این که شما این کتاب را با توجه کافی مورد مطالعه قرار دهید و به امید این که بتوانید نسبت به ستمگری انسان بر حیوانات هم واقعا و به طور عملی توجه مبذول نمایید». این کتاب توسط دیوید کارلز - هامار نوشته شده، ۳۷۰ تومان قیمت و ۷۲ صفحه دارد و در آن خواننده را با حقوق حیوانات و لزوم رعایت این حقوق آشنا می‌کند.

مشکلات خود را با خوانندگان در میان بگذارید

محمدرضا قنبری

وقتی خواننده، زندگی و حرکت را در یک نشریه می‌بیند، علاقمندی بیشتری پیدا می‌کند. ۲- تاسف من از آن بابت بود که هیچ خبری از برگزاری «کنفرانس آلمان» در «کار» درج نشده بود. پیش از سی نفر از اعضای سازمان از شهرهای مختلف آلمان گرد می‌آیند، و بیش از ۸ ساعت وقت خود را به مسائل مربوط به ایران و مبارزات مردم می‌گذرانند، آنوقت حتی یک خبر دو جمله‌ای راجع به آن در «کار» درج نمی‌گردد! دوستان عزیز، اگر خودمان برای کار و زحمت خودمان ارزش قائل نباشیم، آیا دیگران برای آن ارزش قائل خواهند شد؟

بی‌توجهی به خبر برگزاری کنفرانس آلمان، در حالی است که در همین شماره، خبر مربوط به جشن سالانه اومانیتته درج گردیده است و اتفاقاً در خبر مذکور، به این نکته اشاره شده است که ما خبرهای مثبت و مربوط به خود را مورد توجه کافی قرار نمی‌دهیم: «...اما برعکس، آن چه کمتر مورد توجه قرار گرفته و شناخته شده و بیش از دیگران به ما تریقخواهان مربوط می‌شود، مجموع تلاش‌ها و اقدامات مردمی و در برخی موارد دولتی در راستای حل

«کار» شماره ۱۹۳ از یک بابت موجب خشنودی و از یک بابت موجب تاسف من شد. ۱- خشنودی از آن بابت که سرانجام قیمت نشریه را گران نمودید. حدود یک سال قبل همین پیشنهاد را به شما داده بودم و شما نیز لطف نموده آن را در «کار» درج نمودید. در انتظار پیشنهاد کرده بودم که قیمت نشریه را به ۵ مارک برسانید. آیا باید نشریه‌ای که حاصل تجارب و فداکاری بخش قابل توجهی از سپه‌ن دوستان و روشنفکران ایرانی است، از یک پاکت سیگار نیز ارزان‌تر باشد؟

اکنون که شورای سردبیری «کار» از طریق توضیحات پیرامون افزایش بهای نشریه، باب موضوع را گشوده است، چقدر خوبست که این «باب» را همواره گشوده نگاه دارد. به این معنی که در هر شماره «کار» مطلبی کوتاه تحت عنوان «سخن سردبیر» یا مشابه آن درج گردد و در آن مسائل خاص نشریه مطرح شود. اگر «کار» وضع خود را برای خوانندگان خود تشریح کند، اولاً بسیاری از خوانندگان به غیر موجه بودن برخی انتقادات خود پی می‌برند و در ثانی (که بسیار مهم نیز هست)، «کار» خود را به عنوان موجودی زنده و دینامیک معرفی کرده است. طبیعی است که

بخشی از جریان حاضر در انقلاب ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷، به دلیل تشکل بیشتر و بهره‌گیری از امکانات تبلیغی و ارتباطی وسیع و توسل به اعتقادات و باورهای مذهبی توانست با فریب مردم و به خصوص بخش فعال و نقش‌آفرین آن، یعنی جوانان، گوی سبقت را از دیگر نیروها برآید. خودکامگان سوار بر موج خروشان، مسلط بر اوضاع شده و حکومت را از آن خود ساختند. آن‌ها جهت ادامه و بقای حکومت خود، دو راه بیشتر در پیش نداشتند. یا باید در جهت خواست مردمی که برای استقلال و آزادی انقلاب کرده بودند، حرکت کرده و با برقراری دموکراسی، به خواست‌های مردم گردن می‌نهادند که در این صورت حکومت اسلامی و ولایت فقیه معنی نداشت. یا این که حکومت مورد نظر خود را ابقا و تحکیم می‌کردند که درست مقابل راه اول بود. و این آن‌چه بود که بر ملت ایران رفت و شاهد آن بودیم.

بدیهی است برقراری، ابقاء و ادامه چنین حکومتی، که خلاف تمام شئونات و روش‌های متعارف و شناخته شده انسانی، پذیرفته شده در جامعه جهانی است، به زعم سردمداران آن نیاز به ملتی همگام و همراه با این نظام دارد و ساختن و پرداختن چنین ملتی نیازمند زمان است. بیست سال حکومت خائنانه، توأم با استبداد، سرکوب، ترور و

خانه از پای بست ویران است

رحمت‌الله حبیبی

ادامه جنگی مخرب و خانمان‌سوز بود که منجر به ویرانی و آوارگی و تخریب غیرقابل جبران منابع اقتصادی، صنعتی، کشاورزی، مسکونی و استراتژیک شد و به مرگ صدها هزار نفر، معلولیت و از کارافتادگی هزاران نفر انجامید و انزوای بین‌المللی، دور ماندن از جامعه فعال علمی و فرهنگی و پویای جهانی، آوارگی میلیون‌ها نفر در داخل و خارج از کشور را به همراه داشت، به تیزل سطح سواد، دانش تعلیمات آموزشی، پرورشی و روابط اجتماعی انجامید و فقر، رکود اقتصادی، بدهی‌های خارجی، تخریب منابع ملی و محیط‌زیست و فلج شدن صنعت و تولید و صادرات را همراه آورد. در همه این سال‌ها، خودکامگان به امید و در رویای یک پرورش و ساخت و پرداخت یک نسل جدید به اصطلاح اسلامی متشکل از جوانان پرورش یافته در دامن آموزش و پرورش دهندگان مکتب ولایت فقیه، به منظور تامین و تضمین آینده‌ای پایدار و مطمئن برای خود بودند. اما اینک خلفای وقت با خواری و زبونی دریافته‌اند که خوش‌بینی‌ها و رویاهایشان، خودفریبی بیش نبوده و تمامی محاسباتشان مثل حبابی نقش بر آب، به هیچ بند است.

اینک امید رهبران جمهوری اسلامی، یعنی جوانان که تمام عمر خود را در مدارس، آموزشگاه‌ها، دانشگاه‌ها و

همین دلیل برخورد با رسوبات و کهنه‌اندیشی را باید از همین امروز آغاز کرد و در این رهگذر نباید از هیچ جذمی و ولو اندک، غفلت کرد. از حاشیه دور نشوم و به موضوع مطلب مورد اشاره در «کار» ۱۹۳ بپردازم. در مطلب مورد اشاره که باید به قلم یکی از دست‌اندرکاران نشریه نوشته شده باشد، می‌خوانیم: «کار» علیرغم تیراژ نسبتاً بالای خود در مقیاس فعالیت‌های خارج از کشور، به دلیل برخی ملاحظات، موانع و سنت‌ها، آگهی و درآمدی از طریق آن ندارد». سوال این است که این «موانع و سنت‌ها» کدام‌ها هستند و دلیل این «ملاحظات» چیست و دیگر این که پیش‌خور آن کدام است که نشریه «کار» را از چاپ آگهی باز می‌دارد؟ خود سازمان اکثریت و دیگر نیروهای چپ چقدر در به وجود آمدن و پایداری این مسایل دخیلند؟ آیا صاحبان موسسات و شرکت‌ها از چاپ آگهی در نشریات چپ خودداری می‌کنند؟ اگر جواب این سوال آری باشد، چرا و راه حل کدام است؟ و یا این که سازمان اکثریت ذهنیت نیروهای خود و دیگر چپ‌ها را مستعد پذیرش مساله نمی‌داند؟ من به راستی مایلم گروه‌ها و احزاب چپ موضوع را با بسزای پرسشگرانی همچون من روشن کنند.

چاپ آگهی از یک طرف کار بازاریابی یک موسسه و یا شرکت را تسهیل می‌کند، من خواننده نشریه را از وجود امکانات و خدمات متنوع باخبر و از طرف دیگر منبع مالی خوبی است برای نشریات که باعث می‌شود گردانندگان آن هم بتوانند هم مطالب بهتر، متنوع‌تر و بیشتر برای خوانندگان خود چاپ کنند و هم کیفیت چاپ و پخش روزنامه را بالا ببرند.

نیروهای چپ و تبلیغات

یک چپ ایرانی

مطالعه مطلبی در یکی از شماره‌های اخیر «کار» مرا بر آن داشت که مطلب زیر را نوشته و برایتان بفرستم، باشد که به روشن شدن مساله، هرچند اندک، کمکی کرده باشد. در این که مسایل زیادی هست که ما باید برای خود حل کنیم، شکی نیست. هنر ما در چپ بودن، همانا شجاعت و پیشگامی ما در درافتادن با «مسایل مانده به‌جا» است. پس امیدوارم که نوشته زیر را برای چاپ در نشریه مناسب بدانید.

در شماره ۱۹۳ «کار» ارگان مرکزی سازمان فداییان خلق (اکثریت) مطلبی پیرامون افزایش بهای «کار» درج شده بود. با توجه به احترامی که به نیروهای چپ دارم، مایلم نکاتی را در این باره مطرح کنم.

قبل از هر چیز بگویم که من عمیقاً بر این اعتقادم که یک ایران متمدن و پیشرفته احتیاج به یک چپ متشکل، متحد، پراگماتیست و مسئول دارد، تا در برابر دیگر نیروها بتواند به وزنه‌ای قابل اعتماد تبدیل شده، تعادلی به وجود آورد، تعادلی که لازمه یک جامعه مدرن و امروزی است، چپ که در شرایط امروزی سود و حرمت آن نه در زورآزمایی صرف برای کسب قدرت سیاسی و یا تکیه بیش از حد بر نیروی کارگران و دهقانان، بلکه در تلاش برای پایه‌ریزی و تحکیم دموکراسی و مدرنیزاسیون، حقوق بشر، دفاع از حقوق زنان، محیط زیست، حقوق هم‌جنس‌گرایان و اقلیت‌های قومی و مذهبی در ایران است. اشتباهی بزرگ مرتکب شده‌ایم هر آن‌گاه که مبارزه برای مسایل مورد اشاره را به قول بعضی‌ها به فردای دگرگونی (بخوانید سرنگونی، استحاله و یا هر چه مایلید) در قدرت حاکمه موکول کنیم. به

صورت بگیرد، چرا که آن‌ها قانون مبارزه اجتماعی و پیشرفت را لوٹ و بی‌مزه کرده از اعتبار آن می‌کاهد و نگاه‌ها را از چپ به عنوان یک نیروی جدی، مسئول، امروزی و زمینی و پویا منحرف، آن را یک دسته شبهه پل‌پوتی در انتظار معرفی خواهند کرد.

چا دارد که سازمان اکثریت که در طرح بسیاری مسائل پیشقدم

کودکان شب

حشمت رئیسی

می‌توانم خشم توفان خیز پنهانی که انحر این شب بیهوده دوار روان زادبوم را می‌آزرد ببینم، در قفای واژه حیرت! و می‌دانم که در مرداب‌های وعده‌های کور و خواب‌آلود- این پیغمبران چوبه‌های دار و این اشترپرستان دیار غم سرود تشنه بی‌باک نبلوفر که ریشه در گیاه باستان دارد زهر سوراخ و هر روزن و از هر کوی و هر برزن بسانه شعله‌های نار می‌روید! می‌خواهم ورای چشم تاریک حرم‌داران آه و ناله و غوغا درخت سبز و پریار بلند خاطرات دودمانم را ز زردی خزان جنگل توبه، رها سازم! می‌خواهم روان یادمانم را که در ایام پژمرده اسیر تک هجایی‌های طاعون «مقدس» شد کنم آزاد!

ز عمق تار و پود دخمه‌های معبد بیداد! بخندم چون بخار عود بگریم چون نشاط نی برقصم بر فراز جلگه و هامون نیل‌اندود ایران‌شهر ببینم واپسین امواج اخترگون شوق دختران دشت اگر در سایه‌های نقره‌هنگام شب با آوای لایی لایی کبکان کوهستان به شهر راز رویاهای شیرین نگون‌بخت کودکی آواره ایران سفر کردم!

درخت آفتاب مهر سرماسوز خوشبختی میان انجماد کوچه و پس‌کوچه‌های شهر خواهم کاشت! برای هر تمنایی - نیازی - آرزویی غنچه‌ای از شاخه‌های آتش نیک نیکان را به روی دست خواهم برد!

اگر برخاست صوت دلکش ناقوس شهر کودکان شب به هنگام طلوع لاله‌های سرخ - با بانگ رسا، فریاد خواهم زد بپا خیزید - ای چابک سواران سیاه عشق! فرو ریزید - کهن دیوارهای دیو ظلمت را! بشوئید - روح سرگردان میهن از غبار تیره ایام نادانی! بسازید - خانه‌های روشن امید، برای کودکان تیره‌روز شب!

به شهیدان فاجعه ملی

بهرز میثمی

از آن من هستی! از آن من هستی! هراسان مباش، زیرا که تو را دارم نامت را به زبان می‌آورم. از آن من هستی آن هنگام که از توفان‌ها گذر می‌کنی، من با توام هرگز به زیر امواج فرو نخواهی رفت آن هنگام که آتش ترا احاطه کرده است هرگز شعله‌ها تو را در خود نخواهد بلعید آن هنگام که ترس تنهایی بر تو سایه افکنده است به یادت باشد، در کنار توام! آن هنگام که در غربت تعبید در میان غریبان به سر برده‌ای به یادت باشد، در نگاه تو با ارزش‌ترینی! از آن من هستی، به‌سان جینی در شکم از تو مواظبت خواهم کرد دوستت دارم، با عاشقانه‌ترین احساس‌ها از آن من هستی! هراسان مباش، زیرا که تو را دارم نامت را به زبان می‌آورم، از آن من هستی

تابستان ۹۱

**توضیح:** «کار» امیدوار است که در فرصتی مناسب به این مسایل و پرسش‌هایی که این خواننده محترم طرح کرده است، بطور مشروح‌تری بپردازد و موضوع در میان ما باشد.

شماره آینده «کار» به علت تعطیلات سال نو میلادی با یک هفته تاخیر، در ۲۳ دی ماه، برابر با ۱۳ ژانویه ۱۹۹۹ منتشر می‌شود



تک فروشی: معادل ۴ مارک آلمان

بهای اشتراک:

اروپا: شش ماهه ۵۵ مارک؛ یک ساله ۱۰۲ مارک

سایر کشورها: شش ماهه ۶۲ مارک؛ یک ساله ۱۱۵ مارک

Verleger: I.G.e.v

I.G.e.v آدرس:

Postfach 260268

50515 Köln

Germany

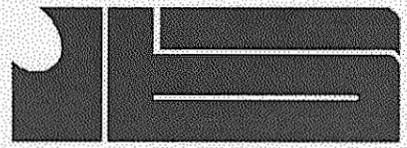
I.G.e.v آدرس:

22 44 20 32

37 05 01 98

Stadtsparkasse Köln

Germany



چهارشنبه ۲ دی ۱۳۷۷ - ۲۳ دسامبر ۱۹۹۸ دوره سوم - شماره ۱۹۸

KAR. No. 198 Wednesday 23. Dec. 1998

G 21170 D

«کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود

# آمریکا بار دیگر عراق را بمباران کرد

● در میان اعضای شورای امنیت بر سر حمله نظامی اختلاف نظر شدیدی به وجود آمد  
● کوفی عنان: این روز، روز غم‌انگیزی برای سازمان ملل بود



تقیح می‌کند.

سازمان کنفرانس اسلامی: این سازمان توانست بر سر بیانیه مشترکی که در آن حمله آمریکا و انگلیس به عراق محکوم شده بود به اجماع نظر برسد.

اپوزیسیون عراق: سخنگوی کنگره ملی عراق (مشکل از ۱۶ حزب و سازمان) گفت: اگر هدف از این حمله برکناری رژیم صدام نباشد، این حمله

مورد سواستفاده تبلیغاتی رژیم وی قرار خواهد گرفت.

جمهوری اسلامی: محمدصادق نژادحسینی نماینده دائم رژیم در سازمان ملل گفت: جمهوری اسلامی ایران معتقد است عملیات نظامی علیه عراق باید خاتمه یابد و به سیاست خلاقانه دیر کل سازمان ملل فرصت دیگری برای تأمین همکاری عراق با کمیسیون ویژه خلع سلاح داده شود.

تأثیر بحران

بر بهای نفت

بحران تأثیری بر بهای نفت نداشت و حتی از قیمت آن کاسته گردید. در حالی که یک روز قبل از بحران بهای هر بشکه نفت شمال از نوع برنت برای تحویل در ماه فوریه در بازار ۱۰/۵۰ دلار بود، فردای آن روز بهای هر بشکه نفت به ۱۰/۰۳ دلار رسید.

بمباران به پایان رسید

با آغاز ماه رمضان شب، کلبتون دستور توقف حمله را صادر کرد و در بیانیه‌ای گفت: نیروهای آمریکا و انگلیس در طی چهار روز خسارت سنگینی به زرادخانه‌های عراق وارد کردند و توانایی حمله را از ارتش آن سلب کردند.

در کنار قتل و مجروح شدن صدها عراقی، بمباران این کشور ویرانه‌های سیاسی عظیمی در سطح بین‌المللی از قبیل تضعیف مقر سازمان ملل با صدور بیانیه‌ای اقدام نظامی آمریکا و انگلیس علیه عراق را تبیح کرد. در این بیانیه آمده است: جنبش عدم تعهد عملیات نظامی اخیر علیه عراق توسط کشورهای منفرد و بدون هیچگونه مجوزی از سوی شورای امنیت سازمان ملل یا مجمع عمومی را

تقویم بحران

سال ۱۹۹۱

مه: شورای امنیت سازمان ملل، کمیسیون ویژه خلع سلاح



نمایندگان روسیه و چین گزارش وی را یک‌جانبه خواندند و حتی صلاحیت باتلر را برای ادامه کار مورد پرسش قرار دادند.



روزنامه نیورک تایمز روز جمعه هفته گذشته در مورد نقش باتلر در این بحران نوشت: رئیس بازرسان سازمان ملل (آنکسام) در عراق در یک اقدام غیرقانونی دو روز پیش از ارائه گزارش خود به شورای امنیت معاد گزارش را در اختیار رئیس جمهور آمریکا قرار داده بود.

بیل کلبتون در سخنرانی خود در مقابل کنگره ملی فلسطین در قسمت آخر ناگهان شروع به تعریف و تمجید از «اسلام» نمود و گفت غرب دشمن اسلام نیست. او می‌دانست که احتمالاً (سه روز قبل از ماه رمضان) برای توجیه حمله آمریکا به عراق در میان کشورهای عربی با مشکل روبرو خواهد شد. کلبتون دو ساعت پس از پرواز خود از فلسطین به آمریکا از داخل هواپیما به نیروهای آمریکا دستور آماده‌باش داده بود.

مشور سازمان ملل حفظ امنیت جهان را برعهده شورای امنیت می‌گذارد. ایالات متحده آمریکا طی سالهای گذشته با عدم پرداخت حق عضویت خود و ایفای نقش ژاندارم جهانی بطور سیستماتیک اقدام به تضعیف سازمان ملل در ایفای نقش خود

## شکاف در شورای امنیت

روز جمعه برای سومین روز متوالی موضوع حمله نظامی آمریکا به عراق در شورای امنیت سازمان ملل مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. اما به دلیل اختلاف نظر شدید اعضا هیچگونه توافق حاصل نگردید. در میان اعضای دائمی شورای امنیت بین روسیه و چین از یکسو و آمریکا و انگلیس از سوی دیگر بر سر حمله نظامی اختلاف نظر شدیدی وجود دارد. دولت روسیه پیش‌نویس بیانیه رسمی را در شورای امنیت مطرح کرده که ضمن ابراز تأسف از بکارگیری نیروی نظامی علیه عراق خواستار پایان یافتن مخاصمه و خودداری از دست زدن به هر اقدامی که تشنج در منطقه را دامن بزند گردیده است. معاون نماینده دائمی آمریکا در سازمان ملل در زمینه این پیش‌نویس گفت: هنوز هیچ‌گونه بحثی در این زمینه صورت نگرفته و دولت آمریکا با آن مشکلات جدی دارد.

رئیس دوره‌ای شورای امنیت، «جاسم محمد بوعلای» نماینده بحرین، در پایان جلسه گفت این شورا به مذاکرات خود در روزهای آتی ادامه خواهد داد.

## نقش باتلر

در این بحران

یک روز قبل از حمله آمریکا به عراق، ریچارد باتلر گزارش ده‌صفحه‌ای خود مبنی بر کارشکنی دولت عراق را در اختیار سازمان ملل قرار داد. حملات آمریکا در حالی آغاز گردید که اعضای شورای امنیت سازمان ملل هنوز در حال بررسی گزارش ریچارد باتلر بودند. در مذاکرات روز چهارشنبه شورای امنیت،

شب چهارشنبه هفته گذشته با آغاز عملیات «روپاه صحرا» نیروهای آمریکا بر شهرهای عراق سویره بغداد و بصره موشکباری نمودند. طی ساعات اولیه این عملیات ناوهای هواپیمابر آمریکا بیش از ۳۰۰ موشک کروز و هواپیمای اف ۱۴ و اف ۱۶ بیش از ۲۰۰۰ بمب بر سر شهرهای عراق ریختند. ساعاتی بعد پیل کلبتون در پیامی به مردم آمریکا دلایل این اقدام را تشریح کرد. وی گفت: من امروز فرمان حمله به مناطق نظامی عراق را صادر کردم. جامعه جهانی به صدام حسین آخرین شانس برای همکاری با بازرسان آنکسام را داد. او از این شانس استفاده نکرد. کلبتون گفت: با توجه به اینکه ماه رمضان تا چند روز دیگر آغاز می‌گردد، این مناسب‌ترین زمان برای ضربه زدن به صدام است.

وزیر دفاع آمریکا «ویلنهام کوهن» طی مصاحبه مطبوعاتی در روز پنجشنبه گفت: مراکز حیاتی عراق از جمله ساختمان وزارت خارجه و مقر اصلی گارد ریاست جمهوری در بغداد به کلی ویران شدند. ژنرال «هنری شلتون» رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا گفت: در اولین حمله، ۵۰ نقطه هدف حمله قرار گرفت که عمدتاً مراکز نظامی، نیروهای ویژه و پایگاه‌های اطلاعاتی بودند. وی تصریح کرد: تمامی موشک‌ها به اهداف مورد نظر اصابت نکرده است. مقامات نظامی آمریکایی همچنین گفتند در مراحل بعدی از بمب‌افکن‌های ب-۵۲ که از پایگاه دیه گوگاریا در اقیانوس هند به خلیج فارس اعزام شده‌اند، استفاده خواهند کرد. این هواپیماها حامل موشک‌های کروز ای جی ام-۸۶ هستند.

ایالات متحده تاکنون ۲۴۰۰۰ سرباز، ۲۲ ناو جنگی، ناو هواپیمابر اینترپرایز و ۲۰۰ هواپیمای جنگنده در خلیج فارس مستقر نموده است. طی روزهای آتی قرار است ۲۷۰۰ سرباز دیگر و ناو هواپیمابر وینسون نیز وارد منطقه خواهند شد. طی آخرین اخبار واصله بیش از ۱۲۰ نفر کشته و صدها نفر مجروح شدند. در حالی که مقامات آمریکایی از بمباران مناطق نظامی سخن می‌گویند، به گفته دولت عراق قربانیان اکثراً مردم غیر نظامی هستند.

## ایران هم مورد اصابت

قرار گرفت

محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت رژیم اعلام نمود یک موشک کروز به شهرستان خرمشهر اصابت کرده است. به گفته وی اصابت این موشک تلفات جانی و یا خسارات «زیادی» در بر نداشته است. وی افزود: آمریکا اگر به ایران موشکی شلیک کند هیچ کدام از ناوهای سالم از خلیج فارس خارج نخواهد شد.

## اطلاعیه شورای مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

حمله نظامی آمریکا و انگلیس

به عراق را محکوم می‌کنیم!

در پی تشهایی که بر سر بازرسی تأسیسات نظامی عراق بین دولت آمریکا و صدام حسین پدید آمد، و متعاقب تهدیدهای متعدد دولت آمریکا، سر انجام روز چهارشنبه ۱۶ دسامبر عراق آماج حمله هوایی و موشکی نیروهای آمریکا و انگلیس قرار گرفت. که تاکنون خسارات بسیار جانی و مالی به دنبال داشته است. هدف اعلام شده این حملات از بین بردن تأسیسات سلاح‌های کشتار جمعی عراق و ناچار کردن دولت عراق به پذیرش بازرسی‌های مداوم و همه‌جانبه ایست که نقشه آن توسط دولت آمریکا ریخته شده است. این در حالی است که دبیرکل سازمان ملل متحد و اکثریت کشورهای جهان اعلام کرده‌اند که دست‌آویزهای آمریکا در این حمله غیرقابل قبول و مردود هستند.

در واقع آمریکا مسأله تأسیسات سلاح‌های کشتار جمعی عراق را بهانه‌ای کرده است برای به اجرا گذاشتن یک نقشه توسعه طلبانه بسیار گسترده تر که هدف آن تسلیم کامل عراق به درخواستهای آمریکا و گسترش سیطره آن بر کل منطقه است. دولت آمریکا اقدامات دولت ارتجاعی صدام را بهانه تحقیر مردم عراق و نفی حاکمیت ملی آنان کرده است. آنچه به نام بازرسیهای قانونی از تأسیسات نظامی عراق طرح می‌گردد هیچ نقطه پایانی ندارد. در واقع این بازرسی‌ها همچون حق دولت آمریکا برای مداخله مداوم و نظارت همیشگی بر امورات عراق تلقی می‌گردد.

روشن است که هیچ ملتی نمی‌تواند اینگونه مداخلات را بپذیرد. در جهان پر تنش معاصر درست و ضروری است که نهادی بین‌المللی همچون سازمان ملل متحد با هدف کنترل و محو سلاح‌های کشتار جمعی بر تأسیسات و برنامه‌های نظامی همه‌کشورها نظارت داشته باشد. نظارت بین‌المللی در این زمینه امری کاملاً ضروری است. اما باید پذیرفت که اولاً این نظارت باید همه‌کشورهای جهان را شامل گردد، ثانیاً قدرتهای بزرگ، بر پایه نفوذ خود در نهادهای بین‌المللی چنین نظارت‌هایی را وسیله نظارت سیاسی- نظامی انحصاری خود نکنند، کاری که هم اکنون در نمونه عراق مصداق پیدا می‌کند.

ما بالاگیری مجدد تنش در منطقه و حمله نظامی آمریکا به عراق را محکوم می‌کنیم و به همراه دیگر نیروهای صلح دوست و مترقی منطقه خواهان پایان یافتن بی‌درنگ این حملات هستیم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱۶ دسامبر ۹۸

جلوگیری نمود.

سپتامبر: پس از ورود نیروهای نظامی عراق به کردستان این کشور، آمریکا به تأسیسات ضد هوایی عراق حمله نمود.

سال ۱۹۹۷

ژوئن: با بروز مناقشات بین دولت عراق و بازرسان آنکسام، شورای امنیت، عراق را تهدید به تحریم‌های اقتصادی جدید نمود.

اکتبر: دولت عراق بازرسان آنکسام را به جرم جاسوسی از این کشور اخراج نمود. نوامبر: بازگشت بازرسان آنکسام به عراق. جلوگیری از بازرسی کاخ‌های صدام حسین.

سال ۱۹۹۸

فوریه: کوفی عنان موفق گردید اجازه بازرسی از کاخ‌های صدام را بگیرد. آگوست: صدام همکاری با آنکسام را پایان یافته تلقی نمود. شورای امنیت این اقدام را محکوم نمود.

۱۴ نوامبر: پس مسافرت کوفی عنان به عراق، این کشور اعلام آمادگی همکاری مجدد با بازرسان آنکسام نمود. بیل کلبتون ۱۵ دقیقه قبل از بمباران عراق دستور بازگشت هواپیماها را صادر نمود.

۱۶ دسامبر: بنا بر تصمیم ریچارد باتلر بازرسان آنکسام از عراق خارج می‌شوند. بنا بر گزارش وی دولت عراق در کار بازرسان کارشکنی می‌کند.

عراق را بوجود آورد.

سپتامبر: دولت عراق چهار روز نمایندگان آنکسام را بازداشت و مدارک کشف شده مربوط به برنامه اتمی را ضبط می‌نماید.

سال ۱۹۹۲

جولای: دولت عراق از بازرسی متخصصان آنکسام از وزارت کشاورزی جلوگیری نمود.

سال ۱۹۹۳

۱۳ ژانویه: به دلیل استقرار موشک‌های ضد هوایی در مرز کویت، هواپیماهای جنگنده آمریکا، فرانسه و انگلیس جنوب عراق را بمباران کردند.

۱۷ ژانویه: ناوگان آمریکا ۳۰ موشک تام‌هاوک بسوی بغداد شلیک کرد.

۱۸ ژانویه: بمباران عراق منجر به کشته شدن ۲۱ غیر نظامی گردید.

جولای: بر اثر ترمز دولت عراق از نصب دوربین‌های کنترل‌گر در کارخانجات اسلحه‌سازی، آمریکا بار دیگر این کشور را موشک‌باران نمود که ۲۱ غیر نظامی کشته شدند. نوامبر: دولت عراق قطعنامه ۷۱۵ سازمان ملل مبنی بر کنترل و مراقبت از خلع سلاح این کشور را پذیرفت.

سال ۱۹۹۶

مارس: پس از سه سال دولت عراق از ورود بازرسان آنکسام به تأسیسات نظامی